

# نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## یادداشت سیاسی

در سالگرد ۱۸ تیر

جوانان، دانشجویان و مردم علیرغم ممنوعیت هر گونه تجمع و اعمال حکومت نظامی اعلام نشده، روز ۱۸ تیر به خیابانها آمدند و اعتراض خود را نشان دادند.



تظاهرات مشترک سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، حزب احیای کمونیستی، حزب دموکراسی مردمی، سندیکای مستقل فرهنگیان، سازمان جوانان حزب احیای کمونیستی

به مناسبت سالروز ۱۸ تیر، در همبستگی با جنبش دانشجویی و مبارزات مردم ایران امروز (چهارشنبه ۱۸ تیر) در مقابل سفارت رژیم ایران در رم با حضور گسترده ایرانیان به طور موفقیت آمیز برگزار شد.

در این تظاهرات رفیق مهرداد قادری، مسئول روابط خارجی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با رسانه های جمعی مصاحبه نمود که بعضی از آنها در رسانه های ایتالیایی انعکاس یافته است.



## سر مقاله

### فرانسه بر صندلی اتهام

در صفحه ۳

### متهمان به تروریسم در

### دفاع از خود

در صفحه ۲

برای آزادی، به نام عدالت

اخبار و گزارشهای مربوط به کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران را هر روز در سایت ایران -

نبرد بخوانید.

اخبار مربوط به تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن را هر روز در بولتن خبری

ایران - نبرد بخوانید.

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

مهدی سامع  
بحران انقلابی تار و پود جامعه ایران را فرا گرفته و تمامی ارکان قدرت زیر بار این بحران کمر خم کرده است. بحران ژرف و عمیقی که اکنون همه ی جنبه ها و حوزه های جامعه ما را دربر گرفته، کلیه نیروهای اجتماعی و نیروهای سیاسی مهم داخلی و بین المللی را به تلاش برای اثر گذاری بر تحولات سیاسی ایران وا داشته است.

خیزشهای شبانه که از عصر روز سه شنبه ۲۰ خرداد توسط دانشجویان در کوی دانشگاه تهران شروع و پس از حمایت زنان و مردان شرافتمند تهران ابعاد گسترده ای پیدا کرد و بیش از دو هفته در سراسر کشور گسترش یافت، پیام خود را به سراسر جهان ارسال نمود.

زنان و مردان ایران زمین با شعارهای «مرگ بر خامنه ای، مرگ بر استبداد - زنده باد آزادی»، «نه شاه می خواهیم نه رهبر، نه خاتمی، نه اکبر»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «ایران به جز آزادی راه دگر ندارد، توپ، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد»، «مرگ بر طالبان»، «مرگ بر استبداد»، «سیمای لاریجانی ننگ

هر ایرانی»، «خاتمی، خاتمی، استعفا، استعفا» و خواندن سرود «ای ایران» و «یار دبستانی»، تنفر و انزجار خود را از نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه اعلام کردند.

برچیده شدن بساط ننگین رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و استقرار یک جمهوری سکولار و دمکراتیک، خواست مقدم و اصلی مردم ایران است که در خیزشها و قیامهای شبانه به روشنترین وجه بیان شد.

در مقابل این خیزشها و قیامها که جوانان ایران در آن نقش برجسته ای داشتند، رژیم مانند گذشته به سرکوب روی آورد و تمامی سرکردگان رژیم، مردم و جوانان پیا خاسته را «اراذل و اوباش» نامیدند.

بقیه در صفحه ۲

مهدی سامع

خاتمی خواستار مقابله با جوانان بیخاسته شد و هاشمی رفسنجانی، جوانان و دانشجویان مبارز را اوباش و مزدور بیگانه نامید. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نشریه داخلی خود نوشت که حکم بازداشت شدگان اعدام است.

حبیب الله عسگر اولادی مسلمان، دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی گفت «امنیت در داخل برقرار است و سر و صداهای اراذل و اوباش نشان دهنده نامنی نیست. این سر و صداها با تمسک به قانون در مدت کوتاهی مهار شد و افرادی را گرفتار کرد که تا آخر عمر قادر نخواهند شد هزینه این اوباشگری را بپردازند.» (ایلنا- ۳ تیر ۱۳۸۲). و سر انجام آخوند جنایتکار، نمازی بی دادستان کل ولایت خامنه ای اعتراف کرد که «چهارهزار نفر در نآرامیهای اخیر دستگیر شدند» و البته در تمامی گفته های جنایتکاران حاکم بر ایران این واقعیت نیز وجود داشت که «در صد کمی از بازداشت شدگان دانشجوی هستند». اعتراف به این حقیقت گرچه با اهدافی پلید صورت می گیرد، اما نشان دهنده آن است که خیزشهای شبانه در حقیقت یک جنبش تمام عیار توده ای علیه نظام حاکم بوده است.

طی چند هفته گذشته بحران در مناسبات بین المللی رژیم نیز اوج بی سابقه ای پیدا کرد. فشارهای دیپلماتیک بین المللی بر رژیم تروریست پرور مالاها برای بازنگری در برنامه هسته ای اش به اوج خود رسید. علاوه بر مواضع مسئولان آمریکایی، جک استراو وزیر امور خارجه بریتانیا که مسافرتی او به تهران برای مردم ایران خاطرات ناخوشایندی داشته، طی یک سفر به تهران از حکام ایران خواستار آن شد که «پروتکل الحاقی را فوراً و بدون هیچ قید و شرطی امضا کنند.»

دولت ژاپن که در سیاست خارجی بسیار محافظه کارانه عمل می کند اعلام کرد که کنسرسیوم نفتی این کشور «قرارداد دو میلیارد دلاری برای توسعه میدان نفتی آزادگان را تا زمان رفع نگرانیها درباره برنامه های اتمی جمهوری اسلامی امضا نخواهد کرد.» مقامهای وزارت خارجه ژاپن گفتند که «یوریکو کاواگوچی» وزیر خارجه این کشور و «بیل گراهام» همتای کانادایی وی، در ملاقاتی که سه شنبه شب در توکیو داشتند، بر لزوم پیوستن ایران به پروتکل الحاقی سازمان بین المللی انرژی اتمی تأکید کردند.

وزیر امور خارجه آلمان یوشکا فیشر از حزب سبزها - که در مورد او سایت بازتاب به کشف جدیدی مبنی بر داشتن یک دوست دختر ایرانی رسیده - در مقاله انتشار یافته در روزنامه آلمانی "Frankfurter Allgemeine Sonntagszeitung" در اجلاس محرمانه کمیسیون وزارت خارجه در مجلس نمایندگان آلمان، هفته گذشته گفت، این دیگر کافی نیست که ایران تنها یک پروتکل الحاقی عدم گسترش تولید سلاحهای هسته ای را امضا

نماید که بازرسیهای گسترده را مجاز می شناسد. ایران همچنین بایستی از روند تکنیکی برای به کارگیری، "زنجیره کامل استفاده از میله های سوخت اتمی" صرف نظر کند. این تکنیک برای تولید الکتریسیته ضروری نیست اما، برای تولید بمب اتمی لازم است. فیشر گفت: "جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده است که مقاصد صلح آمیز را دنبال میکند، اما این بدان معنا نیست که، از اینگونه اعمال دوری می جوید."

محمد البرادعی، رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی سازمان ملل متحد در آستانه سفر به تهران، یک بار دیگر از رژیم خواست تا پروتکل الحاقی منع گسترش سلاح های اتمی را امضاء کند و به نمایندگان این آژانس اجازه دهد، هر گاه که بخواهند از تاسیسات اتمی ایران بازدید به عمل آورند.

این مواضع که در حقیقت بیان یک اتحاد عمل و نظر دو گروه بندی بین المللی در مورد رژیم حاکم بر کشور ما است، نشان از آن دارد که امکانات گذشته رژیم در عرصه جهانی، اکنون به تهدید تبدیل شده و ولایت خامنه ای و رئیس جمهور عوامفریب او بایستی تصمیم نهایی خود را اتخاذ کنند. این تصمیم، بر خلاف آنچه دولتمردان کنونی فرانسه می اندیشند، نمی تواند خاکستری باشد. خامنه ای و دیگر سرسپردگان ولایتش یا باید به پیروی از خمینی جام زهر دیگری بنوشند و یا به استقبال تعیین تکلیف بروند. حمله وحشیانه پلیس فرانسه به دفاتر مقاومت ایران که به دستور وزیر کشور صورت گرفت، برای آن بود که فرانسه در رقابت با ایالات متحده بتواند اجرای سناریو خاکستری، که البته چیزی جز زد و بند و کمک به رژیم تروریست پرور ایران نمی تواند باشد، را تسریع کند. در مورد دستاوردهای این حمله البته وزیر کشور فرانسه چیزی برای گفتن ندارد و به همین دلیل به استدلالهایی همچون «سکت و فرقه» متوسل می شود که هیچ ربطی به مساله تروریسم ندارد. در اتهامات وزیر کشور فرانسه، دلیلی برای این اقدام ننگین وجود ندارد و تنها در چارچوب مبارزه ایدئولوژیک وی با سازمان مجاهدین خلق ایران به منظور منفرد کردن این سازمان می تواند معنی و مفهوم پیدا کند. منتها در پس این حرفهای عصبی که بر اساس اطلاعات دستگاههای امنیتی جمهوری اسلامی و عوامل برون مرزی آن تهیه شده، سیاست خاکستری کردن شرایط برای رژیم وجود دارد که آقای وزیر جرات نمی کند آن را به طور شفاف بیان کند. سیاست گذاران فرانسه می خواهند هزینه دیپلماسی فرانسه در رویدادهای عراق را با فعال شدن در تحولات ایران و به خیال خودشان به سود «اصلاح طلبان» به عهده مقاومت ایران بگذارند. اگر دولتمردان کنونی فرانسه بر این سیاست که علیه عالیترین منافع مردم ایران است پافشاری کنند، و گمان کنند که جنبش مردم ایران را می توان از پاریس خنثی کرد، دیر یا زود آقای وزیر کشور فرانسه نیز مجبور می شود که مردم بیخاسته ایران را با همان کلمات افراد منفوری همچون هاشمی رفسنجانی، مورد خطاب قرار دهد.

## متهمان به تروریسم در دفاع از خود

زینت میرهاشمی خامنه ای، ولی فقیه، خاتمی، رئیس جمهور رژیم و خرازی، وزیر امور خارجه، متهمان در صندلی تروریسم دولتی، آزادی دوستانان سلب کرده است و حال که قرار است ما را نیز به جرم دانشجو بودن در

جامعه ایران در تب و تاب اعتراضهای مردمی و دانشجویی به سر می برد و نسلی به پا خاسته است که بیش از هر زمان دیگری مصمم به نفی موجودیت رژیم و جستجوی تغییری خارج از چارچوب حاکمیت می باشد. در چنین شرایطی، پایوران رژیم بنا به عادت همیشگی دیکتاتورها، انگشت اتهام را به سوی نفی کنندگانشان نشانه می گیرند. داستان تاریخی است. هراس از ورشکستگی، عدم امنیت را می پروراند. از آنجایی که حکومت شرعی است، ناموس با امنیت مخلوط می شود.

خامنه ای، رهبر باندهای تروریست، لمپنهای لباس شخصی و قمه کشها، در صحبتهای خود با دفاع از شاهرودی و دستگاه قوه قضائیه، خواستار اقتدار قوه فوق شد. ولی فقیه که وجودش این روزها یکی از علتهای تظاهرات و اعتراضهای دانشجویی و مردمی است، خواست آزادیهای مدنی از طرف دانشجویان را دروغ خواند و مدعی شد که این فعاليتها برای بر هم زدن امنیت جامعه است. وی گفت هدف آنها این است که «امنیت جامعه را بر هم بزنند تا هیچکس در مورد مال و خانواده و جوان خود تضمین نداشته باشد.»

خاتمی روز شنبه (۷ تیر) گفت: «ایران بزرگترین مدافع برخورد با تروریسم است.» رئیس جمهور رژیم در حالی این حرف را می زند که اعضای دفتر تحکیم وحدت، طی نامه سرگشاده ای در اعتراض به عدم موضع گیری و اقدام از طرف او در رابطه با دستگیری و ضرب و شتم دانشجویان توسط گروههای تروریستی لباس شخصی، به او یادآور

شده اند که: «باید از شما تقاضای آزادی برادران دربندمان را داشته باشیم اما ما همچنین آگاهیم که مصالح پنهان نظام !!! همواره بر حقوق و خواستههای روشن ما در نزد شما ارجح است. هم از این روست که اعلام می کنیم، حال که مصلحت سنجی ها و معذوریتهای شما را در آزادی دوستانان سلب کرده است و حال که قرار است ما را نیز به جرم دانشجو بودن در خیابانها با ضرب شتم و به زور اسلحه و گاز بیهوش کننده برابند و در پس دیوارهای قطور زندان برای سرپوش نهادن بر بی کفایتی ها و کژ فهمی ها و نادیده گرفتن حقوق ملت، به اعتراف بر گناه ناکرده و جرم ناساخته وادار کنند، دستور فرمایند اندکی بر وسعت زندانهای این کشور بیافزایند تا ما و دوستانمان جای بیشتری در زندان برای زندگانی داشته باشیم و اگر حتی نمی توانید بر وسعت زندانها نیز بیافزایید، پس دانشگاه ها را زندان کنید که امروز به تشخیص اربابان قدرت، این کشور بیش از دانشگاه به زندان محتاج است، بلکه در آن سوی دیوارهای زندان بتوانیم با پاسداشت خاطره ۱۸ تیر ماه ۷۸، مرهمی بر زخمهای التیام ناپذیرمان بگذاریم.»

در همین روز خرازی در نشست با مقامات کشور تونس، بهترین راه حل برای توسعه همه جانبه در جهان را «اصل گفت و گو و تفاهم به جای اعمال قدرت و خشونت» دانست.

سالها و ماههاست که مردم ایران با همه اشکال مبارزه برای رسیدن به توسعه پایدار در ایران، به رژیم دیکتاتوری مذهبی نه گفته اند و خواستار برداشتن سایه ولی فقیه از سرشان هستند. آقای خرازی هم مثل آقای خاتمی و بقیه پایوران رژیم برای دیگران نوحه های سوزناک با کلمات امروزی سرداده و به گوش جهانیان می خواند. اما اعمال این جنایتکاران در حدی است که با این نوحه خوانیها، تأثیر کسی برانگیخته نمی شود و کمکی به کشیدن صندلی اتهام از زیر پایشان نمی کند.

۲ تیر ۱۳۸۲

سرمقاله ---

## فرانسه بر صندلی اتهام

منصور امان  
 آمادگی دولتهای فرانسوی برای دست زدن به اقدامات نامتعارف به منظور تأمین آنچه که از منافع ملی این کشور در برشهای زمانی گوناگون درک و تعریف می کنند، امری به اثبات رسیده است. این حقیقت نیز که روشهای به کار گرفته شده در این جهت معمولاً در مسیری متفاوت از حرکت سازوکارهای قانونی و پرنسیپهای شکل یافته از آنها به جنبش در می آیند، چندان تازه به شمار نمی رود. انفجار یک کشتی متعلق به طرفداران محیط زیست در آبهای فرانسه و توسط سازمان امنیت آن، شاید یک نمونه ی اغراق یافته و تکرار ناپذیر از ابزارهای پاسداری از علائق ملی فرانسه باشد، اما دست کم و به خوبی می تواند گنجایش عملی راههایی که این هدف را در دسترس قرار می دهد را آشکار سازد. رابطه ی نه چندان تنگاتنگ قانون و مجریان آن در الیزه و شعبه های آن، تنها به هنگام طرح مسایل عمومی مانند منافع کشور فرانسه در برابر تهدید ازم هم گسیختگی قرار نمی گیرد. تفسیر آقای میتران یا شیراک از بسته های به دقت چیده شده ی فرانک و یورو ای که برابر با یک سنت دیرینه ی صنعتی - سیاسی دریافت می نمودند، بی گمان نمی تواند با استدلالهایی برگرفته از منافع همگانی یا مصلحت جمهوری پنجم آرایش داده شده باشد. با این وجود، گستره ی متفاوت نمود برداشت فراقانونی از پدیده ها، شباهتهای متدیک فرآیند مادیت یافته ی آن را پنهان نمی کند. آنچه که برای سازمان مجاهدین اتفاق افتاد، نشان از مرزهای جدیدی دارد که راهکار پرکردن خورجین "منافع ملی" آنها را درنور دیده است. بیش از هزار و سیصد تن از نیروهای ویژه ی پلیس به همراه سگهای تربیت شده و هلیکوپترهای فرماندهی و عملیاتی، با ماسک و جلیقه ی ضد گلوله و مجهز به سلاحهای خودکار سبک و نیمه سنگین، هجوم خود را برای تصرف چند خانه ی مسکونی و یک ویلا که تصادفاً توسط پلیس محافظت می شد، آغاز کردند. بلندپایگان وزارت کشور فرانسه از "بی سابقه" بودن چنین عملیات گسترده ای سخن می گویند و به درستی نیز ناسازگاری این لشگرکشی نظامی و تبلیغاتی که به پشت جبهه ی دستگاه قضایی تکیه داشت، با سوژه ی مورد حمله از هر حیث آن را بی مانند و بی پیشینه می کند. این پایگاههای مخفی یک جریان زیرزمینی نبود که در عملیاتی پر سرو صدا با استفاده از حداکثر نیرو به تصرف درمی



آمد. جبهه ی جنگ در حومه ی پاریس، علیه هدفی گشوده می شد که تنها برای خرنچیان پلیس و جاسوسان زبده ی دستگاه اطلاعاتی شناخته شده نبود. شهرت بین المللی سازمان مجاهدین، نقش آن در سازماندهی مقاومت علیه رژیم جمهوری اسلامی و سیاستی که در مبارزه خویش پی می گیرد، اغلب چند گام جلوتر از خود آن حرکت می کند. این واقعیت را فرانسه، هنگامی که در ابتدای دهه ی هشتاد آقای مسعود رجوی بدان کشور پانهاد، تجربه کرده است. پس از آن نیز سازمان مزبور، وزن و اعتبار داخلی و خارجی خویش را در سایه ی روی آوردن به فعالیت مخفی و پنهان شدن از دید همگانی افزایش نداد. ارتباط دایمی کاست سیاسی فرانسه - دولتی و اپوزوسیون - با رهبران و مسئولان مجاهدین، نیاز به درشکن و بالارفتن از دیوار مراکز این سازمان را به میزان قابل توجهی کاهش می داد.

بنابراین، این که دستگاههای ذی ربط فرانسوی ترجیح می دهند کماندوهای نقابدار را در کوچه های تنگ "اورسورواز" به دویدن و مشق نظامی وادار سازند، می بایست علت ویژه ای داشته باشد. چیزی بدان گونه قانع کننده که حتی جنبه های کمیک این سناریوی هالیوودی که به گونه چشمگیری برجذیت تمرین شده ی بازیگران آن سایه می انداخت را نیز چشم پوشی پذیر نماید. به نظر می رسد به صحنه فرستادن انبوهی سیاهی لشگر که در لباسها و تجهیزات مدرن عرضه می شدند، نخست با هدف جلب توجه و افزایش آنچه که بدان بار تبلیغاتی تصرف مراکز "تروریستی" می توان نام نهاد، سازمان داده شده بود. حضور پر شمار خبرنگاران و بویژه گزارشگران آژانس بین المللی فرانس پرس، بازگشت هزینه ی سیاسی صرف شده در این عملیات را تضمین می کرد. پوشش خبری مزبور با توجه به اتهاماتی که دست زدن به این نیمه نبرد جبهه ای را ظاهراً ضروری ساخته و منطقی جلوه می داد، حیاتی می نمود. خرده ناپلئون های وزارت کشور و دستگاه امنیتی، در پس درب آهنی ویلای "اورسورواز" توپ ترکانده بودند و اصرار داشتند که صدای آن دست کم در دو پایتخت دوردست تهران و واشنگتن نیز شنیده شود. و این همزمان بدآوازی رابطه ی نه چندان پاکیزه ی منافع ملی و قوانین و پرنسیپهای رسمی را به گوش می رساند.

گوبلز، وزیر تبلیغات هیتلر، زمانی باورپذیر بودن دروغ را به میزان بزرگی آن منوط ساخته بود. مقامات فرانسوی اکنون این قول را به شیوه ی خود تکامل بخشیده اند: ساختن یک دروغ بزرگ به تنهایی برای باورپذیر کردن آن کافی نیست، چگونگی عرضه ی آن نیز به همین اندازه

مربوطه با دست و پا و زبان تلاش می کنند توضیح دهند که لشگرکشی آنها در حومه ی پاریس، تنها یک اقدام پیشگیرانه" به منظور جلوگیری از انتقال ستاد رهبری مجاهدین به فرانسه بوده است. یک توجیه ارزان که پرسشهای تازه تری را پیرامون علت ناسازگاری متد به کار بسته شده با هدف مورد نظر به میان می آورد. هرگاه به کار گیری چنین روشهایی برای حل مسایل، مشروع و عادی به شمار می آمد و به عنوان مثال فرانسه در راستای تغییر سیاست پناهنده پذیری، به مین گذاری مرزهای خود و شلیک به سوی هواپیماهای مشکوک روی آورده بود، توضیح مزبور نیز می توانست با کمی چشم پوشی، منطقی جلوه کند. اما واقعیت این انگاره را تأیید نمی کند.

مشکل اصلی فرانسه - که یورش به سازمان مجاهدین در کادر آن قرار می گیرد - ناگزیری به سزارین توام با درد و جراحت چند ایده و آرزوی سنتی است. امروز، پس از یازده سپتامبر، فرانسه خود را تنها از هر زمان دیگر می پندارد. مناطق نفوذ آن در آفریقا، بیشتر از کانونهای بحران، قحطی، بیماری و کشاکشهای بی پایان نظامی نیستند و پایگاه های عربی "جمهوری پنجم" هرچه بیشتر به جولانگاه امپریالیستهای آمریکایی تبدیل می شود. جایگاه ویژه ای که فرانسه همواره برای خود در پهنه ی بین المللی به عنوان یک قدرت فراقاره ای برشمرده است، حتی متحدان آن در شورای امنیت سازمان ملل را برای بازداشتن امریکا از حمله به عراق، قانع نمی کند. درکنشکش برسرجوکنگی فرآیند بازرسی و کنترل سلاحهای کشتار جمعی که تصور می شد عراق پنهان کرده باشد، فرانسه باید به گونه ی دردناکی درمی یافت که کرسی دایمی آن در شورای امنیت، به مثابه

بقیه در صفحه ۴

## فرانسه بر صندلی اتهام

بقیه از صفحه ۳

نمادی از یک موقعیت برتر جهانی، تنها می تواند در تراز با صندلی تماشاچی کنسرتی قرار بگیرد که نوازندگان آن منحصر از آمریکای شمالی می آیند. یافتن جاپایی در عراق، همچون دهه ی پروتق معاملات تسلیحاتی و نفتی هشتاد، در چشم اندازی دور قرار گرفته است و تقویت یک جانبه ی اسرائیل، بیشتر از گذشته نقش الیزه را در منطقه ای به گستره ی فلسطین، لبنان، سوریه و اردن کاهش می دهد.

در این میان، تنها نقطه ی امید در رقابت بین المللی بر سر "منافع ملی"، هنوز در ایران تحت حاکمیت ملاها کورسو می زند. منابع نفتی سرشار، بازار ۷۰ میلیونی، قدرت خرید متکی به چاههای ثروت سیال، میلیتاریزه شدن بیشتر خاورمیانه و دور تازه ی مسابقه ی تسلیحاتی همه و همه فرانسه را بهتر و روشن تر به خسارات متصور در از دست دادن ایران متوجه می سازد. فاکتور مهمی که این کشور را به حرکت در باد عبای ملاها بیشتر تشویق می کرد، رابطه ی غیردوستانه ی رژیم اسلامی با ایالات متحده است، چیزی که باز بودن دروازه را به گونه ی خوشحال کننده ای یادآور می شود.

طنز تلخی که جمهوری پر ابهت فرانسه می بایست لب علایق فرامرزی خود را توسط آن به تبسم بنشانند، با واگذاری نقش سد سکندر به رژیم لرزان ملاها حکایت می شود. تخم مرغهای نیم بند استراتژی خاورمیانه ای فرانسه، جملگی در سید خامنه ای، رفسنجانی، خاتمی و هر ابلیس دیگری که خود را عرضه کند، گذاشته شده است. مشتکی ارزن بی مقدار از کیسه ی گشاد حقوق بشر که اینجا و آنجا افشاندن می شود و چند هشدار ملودیک که گوش چرکاب بسته ی هیچ ملایی را آزار نمی دهد، برای گندزایی از آثار همشینی با استبداد عصرحجری حکومت ایران کافی به نظر می رسد و پس از ان قمار بزرگ می توانست آغاز شود.

در این راستا گام نخست بیرون کشیدن ملاها از زیر آتش بود. چالش ابتدایی، بدست آوردن رضایت جمهوری اسلامی برای دست کشیدن از تلاش خود برای دستیابی به سلاح هسته ای به شمار می رفت و این با توجه به تهدیدات فزاینده ی آمریکا و درحالی که پایوران "نظام" تجربه ی سرنگونی صدام حسین را تحت شرایطی مشابه، زبرینی خود تجربه کرده بودند، کار دشواری به نظر نمی رسید. شرط ملاها برای پذیرفتن پروتکل الحاقی

وین، یعنی لغو تحریمها، بیشتر از آنکه یک درخواست جدی و از موضع قدرت باشد، فریادی ملتسمانه برای کمک بود. تنها خواسته ی آنان کسب اطمینان و گرفتن تضمین پیرامون متوقف شدن فشارها در همین سطح و عدم گسترش آن به پهنه های دیگر در داخل و خارج است. جنون دخالت گری و تدبیر تشنج آفرین فرونشاندن آتش با آتش افروزی، نزد حکومت اسلامی درمان پذیر می نمود، هرگاه شرکای آن در باتلاقی که رژیم در آن دست و پا می زد غوطه ور می شدند و ایفای نقش چارپایه را به جان می خریدند.

پیامهای ناهمگونی که وزرای خارجه اتحادیه ی اروپا در نشست اخیر خود برای جمهوری اسلامی ارسال داشتند، دست کم یک گرایش مثبت در برآورده نمودن خواهش حکومت را نشان می داد. آنان در همان حال که ملاها را به پذیرش نظارت بی قید و شرط تأسیسات و امکانات هسته ای خود فراخوانده بودند، همزمان از اتخاذ یک سیاست روشن در صورت خودداری آنان از این امر طفره رفته و در عوض بر تمایل خود برای ادامه ی گفتگو با جمهوری اسلامی تأکید ورزیده بودند. فراکسیون فرانسه و آلمان توانستند در برابرگرایش بریتانیا که خواهان تعیین یک سقف زمانی مشخص برای تحقق خواست اتحادیه ی اروپا از جمهوری اسلامی بود، راهکار خویش را به کرسی بنشانند و همزمان به طور جداگانه برای دلداری دادن به ملاها و دور کردن هر سوء ظنی از خود، تأکید کردند که خواهان تغییر رژیم در ایران نیستند و تلاشهای خود برای عملی نمودن مفاد بیانیه مزبور را در کادر حکومت کنونی ایران پی می گیرند. هنوز آشکار نشده که این رویکرد به مثابه یک تضمین کافی و لازم از سوی جمهوری اسلامی انگاشته شده است یا نه، همانگونه که روشن نیست صرف نظر از این، فرانسه و آلمان چه تضمینهای دیگری برای منصرف کردن ایالات متحده از تحت فشار گذاشتن ملاها می توانند ارایه کنند. و مهم تر از همه، اینکه واشنگتن، گوش و کنار دو کشور مزبور با جمهوری اسلامی در این زمینه را کافی می داند یا خیر نیز با پرسشهای بزرگتری روبروست.

دلشغولی اصلی فرانسه در زمینه ی بهبود وضعیت بین المللی جمهوری اسلامی زوده نگردیده بود که دلایل دوچندان جدی تری برای نگرانی پدیدار گشتند. رژیم ملاها به ناگهان با خیزش دانشجویان و مردم روبرو شد و ثبات داخلی - فاکتور تعیین کننده هر اقدام حمایتگرانه ی درازمدت خارجی - با تکانهای سختی به چالش گرفته شد. تظاهرات شبانه تداوم یافت و چاقوکشان حزب الهی و گاردهای امنیتی و انتظامی

نه تنها قادر به سرکوبی آن نشدند، بلکه ناآرامی به شهرهای کوچک و بزرگ دیگر نیز گسترش یافت و اکنون به نظر می رسد شاهرگ حیات جمهوری اسلامی زیر تیغ یک قیام همه جانبه قرار گرفته باشد. شاه و وزیر عمامه داری که فرانسه بر صفحه ی شطرنج سیاست خاورمیانه ای خود کاشته بود، مهره های چوبی و پوسیده ای از آب درآمدند که اختلافات درونی آنان را بیش از حد مطلوب به ناتوانی گرایش داده بود. جهت گیری تظاهرکنندگان که به صراحت خواهان کنار زدن جمهوری اسلامی به همراه آیت الله عبوس و حجت الاسلام خندان بودند و نه شلاق ولایت و نه شربت "اصلاحات" را برمی تابیدند، نماد آشکار شده ی افکار عمومی در ایران و زاویه دید مردم به "نظام" به حساب می آمد. این گرایش و راهکارهای سرنگونی طلبانه ای که در خیابانها، میدانی و دانشگاه به تمرین و بازپروری آن پرداخته می شود، به گونه ی ناگزیری آلت راتیبو خویش را در بیرون از حکومت و در میان دسته های سازمان یافته ای که خویشاوندی نظری و عملی بیشتری با آنها می یابد، جستجو می کند.

آشنایی و نزدیکی نقطه نظرات و رویکردهای سازمان مجاهدین، برای کارگزاران فرانسوی جای هیچگونه تردیدی باقی نمی گذاشت که هرچرخشی در صحنه ی سیاسی ایران که سمتگیری براندازانه داشته باشد، این سازمان را به فاکتوری قابل ملاحظه و نادیده نگرفتنی تبدیل خواهد نمود. به اضافه ی اینکه شورای ملی مقاومت، یک ائتلاف سیاسی که با نقش اصلی مجاهدین شکل گرفته است، از کلیه پیش شرطها و ویژگیهای ساختاری و سیاسی برای پر کردن خلاء قدرت احتمالی برخوردار می باشد.

موضوع نگران کننده ی دیگر در رابطه با این سازمان، به تحقق نیوستن پیش بینیهایی بود که از انحلال تا نابودی آن را پس از حمله آمریکا و انگلیس به عراق دربر می گرفت. مقامات نظامی آمریکا، از "آتش بس" با مجاهدین سخن می گفتند، یک لحن به کلی متفاوت در باره جریانی که در لیست "گروههای تروریست" وزات امور خارجه این کشور قرار دارد. در یک گام جلوتر، سازمان مجاهدین تلاشهایی را به منظور فراهم آوردن یک زمینه ی مناسب برای ارزیابی واقعی و جدید از اهداف و رویکردهای خود در ایالات متحده آغاز نموده بود.

فرانسه می بایست هرچه زودتر پیرامون منافع درازمدت خود در ایران به اندیشه می نشست. پیش از آنکه جمهوری اسلامی و رهبران آن از خیابانها و مراکز قدرت توسط دانشجویان و مردم جارو می شدند، پیش از آنکه فشارهای ایالات متحده به ثمر می نشست و پیش از آنکه مجاهدین امکان بهره برداری از فرصت پدید آمده به سود خویش را می یافتند.

ضربه به مجاهدین و دست کم فلج کردن سیاسی آنها، می توانست هزینه ی یکی از تضمینهای مورد درخواست جمهوری اسلامی را بدون پرداخت آن از کیسه ی "جمهوری پنجم" بپردازد و همزمان ملاها را به نیات آن مطمئن گرداند. این امر همچنین قادر بود یک پیشدستی نسبت به آمریکا به حساب بیاید و آنتی تز طرحهای آنان باشد. چکمه های نیروهای ویژه به نام "منافع ملی"، برای دور زدن قانون، برق انداخته شده بودند. و بورژوازی معامله گر فرانسه می رفت تا اعتبار مدنیت سرمایه داری در ابتدای قرن بیست و یکم را یکبار دیگر از نو به بوته ی آزمایشی با نتایج از پیش آشکار شده، بگذارد.

در آستانه ی قرن بیستم، یک رسوایی قضایی مستند شده ی دیگر به "منافع ملی"، فرانسه را دنورنر دید. در یک توطئه طراحی شده توسط ارتش و دستگاه عدالت، افسری یهودی به نام دریفوس به اتهام جاسوسی برای آلمان به محاکمه کشیده شد. دادگاه او می بایست هیستری ضد آلمانی و ضد یهودی در جامعه ی فرانسه را می شوراند و آن را به لحاظ روانی در پس حافظان علائق "جمهوری سوم" در آن سوی مرزها بسیج می کرد. در انتها، رسوایی دریفوس فرانسه را به کام یک بحران سیاسی و اخلاقی با دامنه ی گسترده کشاند. امیل زولا در نامه ی سرگشاده و مشهور خود ( من متهم می کنم)، کلید داران سرارپرده ی قدرت را برصندلی اتهام نشانده و روشهای آنان که از مجموعه تبهکارانه ای از جعل اسناد، پرونده سازی، شهادت دروغ و دادرسی نمایشی ترکیب شده بود را در برابر داوری عمومی قرار داد.

"جمهوری پنجم"، به رسوایی دریفوس خود درغلطیده و درهمان جایگاهی که زولا دادخواست خود را خطاب به سلف آن ایراد کرد، جاگرفته است.



## بیانیه جمعی از شخصیت‌های سیاسی و سندیکایی ایتالیا و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در حمایت از مبارزات دانشجویان و درخواست آزادی خانم مریم رجوی و دیگر دستگیر شدگان در پاریس



ما امضاء کنندگان این فراخوان حمایت خود را از مبارزات دانشجویان و اپوزیسیون دموکراتیک ایران برای آزادی و دموکراسی اعلام می‌کنیم:

- ۱- سرکوب خواسته‌های آزادیخواهانه و دموکراتیک دانشجویان و مردم ایران از طرف جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم.
- ۲- از کلیه احزاب و نیروهای سیاسی در پارلمان ایتالیا می‌خواهیم که با فشار بر دولت جمهوری اسلامی اطلاعات رسمی از وضع و سرنوشت افراد دستگیر شده و مفقودین روزهای گذشته را در خواست کنند.
- ۳- هر گونه سوء استفاده از طرف دولتهای خارجی و به خصوص دولت آمریکا از مبارزات دانشجویان و مردم به پا خواسته ایران را محکوم می‌کنیم.
- ۴- پشتیبانی و همبستگی خود را با مخالفان دستگیر شده در پاریس که براساس لیست سیاه سازمانهای تروریستی در زندان به سر می‌برند را اعلام می‌کنیم و خواهان آزادی هر چه سریعتر خانم مریم رجوی، که کماکان در چارچوب بند و بست شرم انگیز دولتهای فرانسه و ایران در پاریس زندانی است، می‌باشیم.
- ۵- اعتراضهای دانشجویان و مردم ایران عمیقاً در مبارزات، مقاومتها و مبارزه آزادیبخش علیه فاشیزم مذهبی ریشه دارد و یکی از ستونهای اصلی آن مبارزه برای استقلال سیاسی و اقتصادی از سیستم نئولیبرال و ایجاد یک سیستم سیاسی سکولار می‌باشد.

people's fedayee guerrillas Organization of iranian

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

Fausto Bertinotti (Segretario Generale Rifondazione Comunista)

دبیرکل حزب احیای کمونیستی

Marco Ferrando (Direzione Nazionale Rifondazione Comunista)

رئیس جناح چپ حزب احیای کمونیستی

Franco Grisolia (Direzione Nazionale Rifondazione Comunista)

هیأت رهبری حزب احیای کمونیستی

Alfio Nicotra (Responsabile Pace Rifondazione Comunista)

مسئول صلح حزب احیای کمونیستی

Vito Bisciglie (Direzione Nazionale Rifondazione Comunista)

هیأت رهبری حزب احیای کمونیستی

Livio Maitan (Direzione Nazionale Rifondazione Comunista)

هیأت رهبری حزب احیای کمونیستی

Luigi Malabarba (Senatore Rifondazione Comunista)

هیأت رهبری حزب احیای کمونیستی سناتور

Alessandro Curzi (Direttore Giornale Liberazione)

سردبیر روزنامه لیبراسیون ارگان حزب احیای کمونیستی

Giovanni Russo Spena (Parlamentare Rifondazione Comunista)

رئیس فراکسیون پارلمان حزب احیای کمونیستی

Gennaro Migliore (Responsabile Esteri Rifondazione Comunista)

مسئول امور خارجی حزب احیای کمونیستی

Gian Giacomo Mondovì (Confederazione COBAS)

مسئول امور خارجی سندیکای مستقل (کوباس)

Roberto Di Nunzio (Information Guerrilla)

سردبیر سایت خبری



## دروود بر قیام کنندگان تهران

در سومین شب قیام دانشجویان، جوانان و مردم تهران، زنان قهرمان روسریهای خود را باز کردند و در هوا تکان دادند. شعار مرگ بر خامنه ای، مرگ بر استبداد و زنده باد آزادی شعار همگانی زنان و مردان قیام کننده است.

چند ساعت پس از حرفهای تهدید آمیز خامنه ای و در شرایطی که تدابیر امنیتی نیروهای سرکوبگر رژیم چندین برابر شبهای قبل بود، مردم تهران در حمایت از جنبش جوانان در اطراف کوی دانشگاه و مناطق اطراف آن تجمع کرده و با حمایت از جنبش دانشجویی، تنفر و انزجار خود را از نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه اعلام داشتند. بر اساس گزارشهای منتشر شده بر تعداد دانشجویانی که در پشت درب اصلی کوی دانشگاه تجمع کرده اند، لحظه به لحظه افزوده می شد و دانشجویان با شعارهای «مرگ بر طالبان»، «مرگ بر استبداد»، «لامعمر زنده باد، خامنه ای پاینده باد»، «سیمای لاریجانی ننگ هر ایرانی» و خواندن سرود «ای ایران» و «یار دبستانی» مردم را به حمایت از خود فرا می خواندند.

مردم با آتش زدن لاستیک در خیابانهای اطراف کوی دانشگاه و بزرگراههای کردستان و جلال آل احمد و همچنین خیابان امیرآباد شمالی، باعث ایجاد ترافیکی سنگین شده اند. مردم همچنین در خیابان شیخ بهایی جنوبی با به صدا درآوردن بوقهای ماشینهای خود نسبت با جوانان تهران اعلام همبستگی می کنند.

در مقابل به این خیزش قهرمانانه صدها تن از نیروهای امنیتی و انتظامی و نیروهای سرکوبگر لباس شخصی انصار حزب الله زیر امر دفتر خامنه ای برای برقراری امنیت بسیج شده و به طور وحشیانه به مردم حمله کرده و آنان را دستگیری می کنند. انصار حزب الله در پاسخ به ندای خامنه ای به مردم حمله کرده و با

وحشیانه ترین شکل مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. خیرگزاری آلمان گزارش داد ماموران پلیس، خبرنگاران و عکاسانی که از صحنه درگیری خبر و فیلم تهیه می کردند، کتک زدند. برخی از سرکردگان نیروهای سرکوبگر رژیم از جمله سرهنگ صدوقی رئیس پلیس ۱۱۰ و سرهنگ مرتضی طلائی فرمانده انتظامی تهران بزرگ و سعید مرتضوی دادستان عمومی انقلاب و نیز برخی از شناخته شده ترین گردانندگان باند سیاه انصار حزب الله از قبیل سعید عسگر برای سرکوب مردم در محل حضور داشته اند. بر اساس گزارشاتی که تا کنون انتشار یافته صدها تن از مردم که در حمایت از دانشجویان و جوانان به سمت کوی دانشگاه در حرکت هستند دستگیر شده اند و نیروهای سرکوبگر ضد شورش برای جلوگیری از گسترش تظاهرات مردم در میدان تره بار غزل قلعه اقدام به تجمع نیرو کرده اند.

بر اساس گزارش رادیو فردا «اولین برخورد خیلی خشن نیروهای انتظامی با مردم در خیابان کارگر وقتی صورت گرفت که یک خانم که پشت موتور نشسته بود روسری خود را برداشت و زندهای دیگر نیز روسریهای خود را باز کردند و در هوا تکان دادند و در همین لحظه نیروی انتظامی و لباس شخصی ها به سمت مردم هجوم آوردند و زندهای که روسری خود را برداشته بودند را به طرز خیلی خشن کتک زدند. بعد از آن مردم برای نجات آنها به سمت نیروی انتظامی هجوم بردند با پرتاب سنگ و در تقاطع خیابان فاطمی و کارگر، درگیری خشنی بین پلیس و انصار حزب الله از یکسو و مردم از سوی دیگر صورت گرفت. بعد از آن، مردم به سمت بلوار کشاورز عقب نشینی کردند و با شعارهایی نظیر «رفراندم، رفراندم، راه نجات مردم» و «مرگ بر استبداد» دست به تظاهرات زدند. تعدادی از زنان و مردان در اولین

درگیری شدیدی که در تقاطع خیابان فاطمی و کارگر دستگیر شدند و تعدادی نیز در تقاطع بلوار کشاورز و کارگر دستگیر شدند. مدتی نیز کنترل خیابان کاملاً در دست مردم بود و نیروهای انصار حزب الله عقب نشینی کرده بودند. مردم با روشن کردن آتش های بزرگ و دست زدن، پایکوبی و شعار دادن، اعتراض خود را نشان می دادند»

بر اساس یک گزارش دیگر این رادیومردم در مقابله با باندهای جنایتکار انصار حزب اللهی می کوشیدند «آنها را تک و تک داخل کوچه ها بکشاند و گرفتار کند ولی آنها پرهیز کردند از رفتن به داخل کوچه ها. خیلی از جوانان تظاهرکننده زیر ضربات زنجیر و چماق آنها خون آلود شدند. نیروهای انتظامی، پلیس شهری، تعدادشان اندک است و به طور مشخص کارشان هدایت ترافیک است ولی در کار خود ناموفق هستند و نمی توانند خیابانها و اتوبانهای محل اغتشاش را بازنگه دارند. نیروهای گارد ویژه که به ماسکها و سپرهای شیشه ای و لباسهای پلنگی مجهز هستند به سوی مردم هجوم می برند، ولی در اطراف پل گیشا، تعدادشان زیاد نبود. درگیری در تقاطع اتوبان های چمران و آل احمد از ساعت ۱۲ شروع شد و تلفنهای موبایل در کل آن منطقه قطع بود. وی می گوید شعار اصلی تظاهرات «مرگ بر دیکتاتور»، خاتمی، استعفا، استعفا است.»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن اعلام حمایت و همبستگی با قیام زنان و مردان قهرمان تهران، دانشجویان شهرهای دیگر را به حمایت از دانشجویان تهران فرا می خواند.

ما از شورای امنیت سازمان ملل متحد و از سازمانها و نهادهای مدافع حقوق بشر مصرانه می خواهیم که با یک برخورد قاطع مانع سرکوب جنبش آزادیخواهی مردم توسط رژیم حاکم بر ایران شوند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
۲۳ خرداد ۱۳۸۲ - ۱۳ ژوئن ۲۰۰۳

## همبستگی مردم و دانشجویان

زینت میرهاشمی

در ادامه تظاهرات اعتراضی دانشجویان در کوی دانشگاه تهران و حمایت گسترده مردم از آنها، روز شنبه ۲۴ خرداد شهرهای اصفهان و شیراز شاهد اعتراضهای مردمی همراه با شعارهای مرگ بر خامنه ای بوده است.

در تظاهرات شیراز جوان ۱۸ ساله ای توسط لمین مزدورهای حزب الله زخمی و در راه بیمارستان درگذشت. فرماندار شیراز تعداد بازداشت شدگان را ۱۰۰ نفر اعلام کرد.

نماینده مجلس رژیم از شیراز روز شنبه در مجلس در باره درگیریهای شیراز گفت: «بسی از حضور نیروهای انتظامی و دخالت نیروهای منتسب به انصار حزب الله یکی از تجمع کنندگان با اصابت میله ای آهنی زخمی شد که احتمالاً در گذشته است و تعدادی نیز دستگیر شدند.»

در حالی که جوانان و مردم با شعارهای مشخص خود رژیم را به چالش گرفته اند، تمام جناحهای حکومتی سعی می کنند بین دانشجویان و مردم فاصله انداخته و معترضان به وضع موجود را فریب خوردگان رسانه های سلطنت طلبان نسبت دهند. ویژگی و ماهیت رژیمهای دیکتاتوری این است که هر آن کس که بر وضع موجود زیر کنترل آنها قیام کند و خواستار تغییر قدرت شود، تبدیل به فریب خوردگان می شود. در حالی که ۱۶ آذر محصول روشهای خشونت آمیز و سرکوبگرانه رژیم سلطنتی شاه بود، بازماندگانش تلاش می کنند که برگزیه های تاریخ را با این جنایات مخفی و خود را بر موج اعتراضهای دانش جوان سوار کنند. از طرف دیگر، پایوران رژیم هم مثل اسلافشان، به چنین موجی دامن می زنند. در حالی که مدعی رسیدن به ارث سلطنت، دانشجویان و مردم را به آشتی با نیروهای انتظامی و پرهیز از خشونت دعوت می کند، جوانان و مردم صحنه های دانشگاه و خیابانها را به رویارویی مستقیم با مزدوران رژیم تبدیل می کنند و شعارهای مشخص دارند. شعارهای آنها نفی کننده هر گونه حکومت غیر انتخابی و موروثی است چه از ولایت باشد و چه سلطنت.

اگر تلویزیونهای لوس انجلسی و ... برگزیه های تاریخ را در ذهن خودشان مخفی می کنند، سنگفرشهای خیابان مبارزه ای خونین، سخت و شهادت سه دانشجو در ۱۶ آذر را گواهی می دهد. رژیم جمهوری اسلامی هر میزانی که مخالفان خود را بچه ساواکی و بچه سوسول بنامد، مانی در راه اراده جوانان و مردمی که برای تغییر رژیم سینه شان را سپر می کنند نخواهد شد. ۲۵ خرداد

## مرزهای روشن از هر دوسو

لیلا جدیدی

نمایندگان مجلس حکومت ولایت فقیه، یکبار دیگر با چشم کور و گوش ناشنوی مصلحتی، با امضاء بیانه ای به مخدوش کردن مرز بین انقلاب و اصلاحات قلابی دست زدند. این دسته ۱۶۶ نفری، طی یک بیانه به تلاش های سابقه دار خود یعنی حفظ نظام، به وسیله ی حمایت دروغین از دانشجویان تداوم بخشیده و خروش اعتراض آمیز مردم را «اعتراضات کوچک صنفی و اجتماعی» که «طمع بیگانگان» را نیز برانگیخته، خطاب کرده و به شکایت از «هتک حرمت» دانشجویان و «تعرض وحشیانه» آنان پرداخته است.

آنچه رژیم های مستبد که بر پایه رای آزاد و واقعی مردم بنا نشده اند را همگون می سازد، بازی کردن همین سناریو شکست خورده است. همواره انکار، تلاش برای وقت خریدن، دو دوزه بازی، سرکوب، اختطاف، هشدار به موازات بهره گیری از سلاح

بقیه در صفحه ۱۵

## زنان و مسیر رهایی

-- لیلا جدیدی

### حمله اوباش به مغازه های فروش مانتو

۱ خرداد، خبرگزاری کار ایران- در پی انتشار خبری مبنی بر این که اداره اماکن نیروی انتظامی در بخشنامه ای تولید و فروش مانتو های تنگ و کوتاه را ممنوع کرده است، عده ای لباس شخصی به مغازه های مانتو فروشی ریخته و اقدام به جمع آوری آنان کردند.

این در حالیست که رئیس اتحادیه صنف پوشاک تهران اعلام کرده بود ضمن یک اطلاعیه به مغازه داران یک ماه فرصت داده شده بود تا این لباسها را جمع آوری کنند. با این حال اوباش رژیم به چند پاساژ هجوم برده و مانتو ها را پاره کردند. معلوم نیست دلایل رژیم در فاصله گرفتن از طالبان چه بود.

### کنوانسیون رفع تبعیض از زنان مغایر با اسلام است

۶ خرداد، ایرنا- لایحه الحاق ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان در دستور کار مجلس قرار گرفت. زهرا آیت اللهی در گردهمایی تشکیلات "واحد خواهران جامعه اسلامی دانشجویان"، پیوستن به کنوانسیون را به دلیل مغایرت با اسلام، قوانین داخلی و حتی چند اصل قانون اساسی منتفی دانست.

احتمالا چنانچه این لایحه به تصویب مجلس و سپس تأیید شورای نگهبان برسد ناچاراً آن دسته از بخشهایی کنوانسیون که خلاف شرع و قانون اساسی رژیم ولایت فقیه است یعنی همان موارد اصلی تبعیض آمیز، حذف خواهد گشت. اصل چهارم قانون اساسی مقرر می کند کلیه قوانین و مقررات مدنی و ... باید بر اساس موازین اسلام باشند. به این ترتیب برابری دید زن و مرد، حق حضانت از فرزند و دریافت ارثیه برابر با فرزند پسر منتفی است.

از دیگر این اصول می توان به اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی که مقرر می کند رئیس جمهور از میان رجال ... انتخاب شود و همچنین مقام هائی از وزارت اطلاعات، قضاوت و ... که بر طبق قوانین ایران باید درجه اجتهاد داشته باشند نیز شامل این موارد تبعیض قرار می گیرد

### زنان تونس در قدرت

۹ خرداد، تونس در شبکه - انتخاب خانم نزیبه زاورک به مقام سفیر تونس در لبنان نشانگر رشد زنان در جهان سیاسی و تصمیم گیری آنان در این کشور می باشد.

خانم زاورک، عضو کابینه سابق این کشور، در کنار دیگر سفیران زن تونس در فرانسه، هلند و نروژ قرار گرفت. همچنین خانم صدیقه چیتیوی، سفیر سابق این کشور در سوئیس، به پست وزارت امور خارجه منصوب گردید. هم اکنون مشارکت ۱۱/۵ درصدی زنان در پارلمان تونس، برطبق استانداردهای بین المللی، بالا به حساب می آید. بیش از ۲۲ درصد از اعضاء کمیته مرکزی حزب حاکم "RCD" را زنان تشکیل می دهند.

### قاچاق زنان به ترکیه و یونان

۱۲ خرداد، بنا بر گزارش خبرگزاری آسوشیتد پرس، یونان و ترکیه نسبت به سومین گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا که طی آن ۱۵ کشور از جمله این دو را کشور را متهم به عدم اجرای اقدامات کافی در جلوگیری از قاچاق انسانی کرده است، اعتراض کردند. در گزارش سالانه قید گشته است که تعداد زیادی از زنان اروپای غربی به این کشور ها قاچاق شده و به خود فروشی وادار می گردند. سخنگوی دولت یونان گفت این گزارش منصفانه نیست زیرا اگر چه ما با این مشکل روبرو هستیم اما فعالیتهای زیادی برای جلوگیری از آن انجام داده ایم. با این حال بی درنگ پس از دریافت گزارش مزبور، مجلس این کشور مجازاتهای سختی را برای متخلفان تعیین کرد. وزیر کشور ترکیه نیز گفت زحمات ما در برطرف کردن این مشکل نادیده گرفته شده است.

در سال ۲۰۰۲ بیش از ۱۸ هزار نفر اکثراً زن، به جزایر یونان بطور قاچاق وارد گشته اند. دولت آمریکا اعلام کرد که پس از این کشورهایی که اقدامی نسبت به این موضوع انجام نداده اند از کمکهای آمریکا بر خوردار نخواهند شد.

### فقدان امنیت زنان عراقی

امنیت و دوباره سازی عراق فعال است اما فقدان امکانات اولیه امنیتی همچنان بزرگترین سد در برابر بهبود وضعیت زنان در این کشور اشغال شده می باشد. شائن میهن، نماینده آوارگان بین الملل در عراق می گوید "در بغداد و دیگر شهرها زنان به وضوح در بازار ها و مغازه ها حضور کمبابی دارند. تعداد نادری برای تهیه مواد غذایی در خیابانها دیده می شوند و اگر هم دیده شوند گروهی و یا همراه برادران یا همسرانشان هستند". او می گوید که زنان عراقی خواستار برابری در محدوده فرهنگی خود هستند و نمی خواهند مانند زنان غربی باشند. آنان خواستار تحصیل، امنیت و صلح می باشند از شرایط وخیم فقدان امنیت در رنجند. اگرچه زنان عراقی آزادیهای در مقایسه با دیگر کشورهای عربی همسایه داشتند اما "مطمئناً بدون صدام برای آنان بهتر خواهد بود اما آیا در عراق پس از جنگ نیز اینطور خواهد بود؟" لورا لیز وود، دبیر کل شورای زنان رهبری جهانی و استاد ارشد دانشگاه مریلند در مقاله ای مندرج در روزنامه کریستن ساینس مانیور می گوید: من در تحقیقاتم هیچ گونه شواهدی نمی بینم که آمریکا و متحدین او توجهی به دخالت و شرکت زنان داشته باشند.

ویرا- د مللو، نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در عراق می گوید: "تجربه نشان داده است که سیاستی پیگیرانه و جدی جهت تقویت و ترویج حقوق بشر زنان، به لحاظ مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی راهگشای استقرار صلح، ثبوت، توسعه و مدارا می باشد."

### نقش اقتصادی زنان عربستان سعودی

۱۴ خرداد، بنا به گزارشی از روزنامه المدینه، زنان سرمایه دار با مطرح



کردن مشکلاتشان در شورای دولتی،

۱۳ خرداد، سازمان ملل - با وجود آنکه رییس جمهور آمریکا ادعا می کند در امر

خواستار راه حل برای تسریع سرمایه گذاری خود می شوند. زنان در این کشور ۷۰ درصد از حسابهای بانکی را در تصاحب دارند از این رو قصد دارند نقش بیشتری در توسعه اقتصادی کشور بازی کنند. این روزنامه با استناد به یک بررسی دانشگاهی می نویسد: زنان ۲۰ درصد سهام کمپانیهای دولتی، ۱۵ درصد سهام شرکت های خصوصی و ۱۰ درصد زمینها را در اختیار دارند. این زنان مایلند پروژه هائی را پیش ببرند که تنها از طریق زنان اداره می گردد.

### فیلتر گذاری سایتهای زنان

۱۶ خرداد، سایت زنان ایران- در حالی که مقامات وزارت پست و تلگراف و تلفن و یکی از مقامات کمیته سه نفره فیلترینگ چندین بار اعلام کرده اند تنها سایتهای مستهجن و سایتهای حاوی توهین به مذهب و مطالب کفرآلود مشمول فیلتر گذاری می شوند، بسیاری از سایتهای زنان فیلتر گذاری شده است. با اینکه اداره کنندگان تمامی سایتهای فیلتر گذاری شده در خارج از کشور زندگی می کنند اما به نظر می رسد هدف فیلتر گذاری یاد شده تنها بعضی از سایتهای زنان باشد. سایت "زنان" که به تازگی راه اندازی شده بود از اولین سایتهایی بود که مورد فیلتر گذاری قرار گرفت. آن طور که از پسوند این سایت بر می آید اداره کنندگان آن در کشور آلمان زندگی می کنند. آخرین مطالب این سایت پیش از فیلتر گذاری به فعالیتهای زنان در سراسر دنیا علیه جنگ اختصاص داشت.

سایت "فمینیستهای ایرانی" که از نخستین سایتهای فارسی درباره مسائل زنان است، فیلتر گذاری شده است. عمده مطالب این سایت را مقالات ترجمه شده از متون دانشگاهی فمینیستی تشکیل می داد. سایت دیگری نیز که بیشتر مطالب آن را مقالات مربوط به آشپزی تشکیل می داد مشمول همین فیلتر گذاری گشته است. صفحه زنان یکی از گروههای کمونیستی ایرانی نیز غیرقابل دیدن شده است.

### چادر در دانشگاه

۱۷ خرداد، زنان ایران - دختران دانشجوی دانشگاه امام صادق موظفند هنگام عبور از راهروها و زمان حضور در محوطه دانشگاه چادر به سر کنند. این در حالیست که تمامی اعضای کادر آموزشی، اساتید و کارمندان بقیه در صفحه ۸



## زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۷

بخشهای مختلف این دانشگاه زن هستند و تنها مردانی که در این دانشگاه کاملاً زنانه مشغول به کارند باغیانها هستند که به تازگی به جای آنها هم باغیان زن استخدام شده است. با این همه مقررات الزامی بودن استفاده از چادر در همه مکانها به جز داخل کلاسها همچنان اجرا می شود. این مقررات برای اساتید وجود ندارد.

گفتنی است واحد خواهران دانشگاه امام صادق که توسط همسر آیت الله مهدوی کنی اداره می شود در چهار رشته حقوق، علوم سیاسی، فلسفه و معارف اسلامی دانشجوی می پذیرد و بسیار کم سابقه تر و کوچکتر از واحد مردان این دانشگاه است. تمامی دانشجویان این دانشگاه پیش از پذیرش از نظر عقیدتی گزینش می شوند.

## تساوی شغلی زنان

۱۷ خرداد، به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا، نمایندگان دولت ایران و همچنین گروه کارفرما و کارگر کوششهای زیادی را برای ممانعت از قرار گرفتن نام ایران در لیست ناقضین حقوق کار انجام داده اند، اما رایزنیها بی اثر باقی ماند و امسال بعد از یک سال عدم رسیدگی موضوع ایران در سازمان بین المللی کار، مجدداً ایران باید پاسخگوی سؤالات گروههای مختلف از کشورهای متعدد در کمیته بررسی استانداردهای این سازمان باشد. ایران در مورد مقاله نامه شماره ۱۱۱ بایستی در باب تساوی شغلی زنان و موضوع رفتار شغلی با بهائیان به مطالب مطرح شده در گزارش و سؤالاتی که در این نشست مطرح می گردد پاسخ دهد.

## تقسیم نابرابر اتوبوس بین زنان و مردان

۱۸ خرداد، زنان ایران - رانندگان اتوبوسهای شرکت واحد از سوار شدن زنان به قسمت مردانه اتوبوس جلوگیری می کنند. اما اتوبوس با حضور مردان در قسمت زنانه همچنان به حرکت خود ادامه می دهند.

تقسیم بندی اتوبوسها به دو قسمت نامساوی مردانه و زنانه،

در بسیاری از موارد به ویژه در خط های شلوغ و ساعت های پر رفت و آمد، سبب بروز تنش ها و جدالهایی بین مردان و زنان می شود.

زنان معتقدند که وقتی تعداد مسافران برابر است، چرا باید صندلی های مردان بیشتر باشد؟ رییس خط مسئله کوچکتر بودن قسمت زنانه را تایید کرده و بیان می کند که: "من خستگی و حق نشستن زنان را تایید می کنم. اما اگر طرح جداسازی را اجرا نکنم، خودم جریمه خواهم شد."

مسئله کمبود جا برای زنان در اتوبوسها که از حجم وسیع و طول خود تنها یک سوم و در اتوبوسهای قدیمی حتی کمتر از این مقدار را به زنان اختصاص داده اند، آن هم در کشوری که فقر و نبود امنیت برای زنان تعداد بی شماری از آنها را به استفاده از اتوبوس وادار می کند، حادث می گردد.

## نهادینه شدن خشونت خانگی تحت حمایت قانون

۲۱ خرداد، سایت ایران نبرد - بر اساس نتایج پژوهشی خانم دکتر شایسته جهانفر، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، شیوع همسر آزاری در پژوهشهای خاص در مقایسه با مطالعات مشابه در سطح دنیا بسیار بالاست.

پژوهش فوق اعلام می کند که ۶۰/۶ درصد زنان ایرانی مورد همسر آزاری قرار می گیرند.

در این زمینه خانم زینت میرهاشمی نوشته است: "خشونت محصول مستقیم تبعیضی است که در محیط کار، درس، خیابان و ... در نهایت خانه نسبت به زنان اعمال می شود. روز ۱۹ خرداد، یک آگهی استخدام برای کار در سازمان جنگلها و مراتع در روزنامه ایران به چاپ رسید. در فراخوان به استخدامی که در این آگهی درج شده بود، از ۲۳۹ محل شغلی مورد احتیاج برای نهاد فوق، تنها ۶ نفر به زنان اختصاص یافته بود. تبعیض جنسی قانونی و رسمی، پدیده خشونت جنسی را از پستهای افکار ارتجاعی به رو می کشاند و قدرت نهادینه شدن در جامعه را به آن می بخشد."

## هر چه گسترده تر باد قیام دانشجویان و زنان در مسیر طرد رژیم استبدادی مذهبی حاکم بر

## میهنمان

ب - سارا  
نظام استبدادی مذهبی از همان ابتدای شکل گیری نه تنها با تصویب قوانین ارتجاعی زن ستیزانه و تحقیرآمیز حقوق انسانی زنان را نقض کرد و زنان را "شرعاً" به عنوان موجودی "خانگی" به جامعه معرفی کرد، بلکه با توسل به نهادهای سرکوبگر خویش تلاش نمود با ایجاد رعب و وحشت، به زور چماق و سرنیزه زنان را هر چه بیشتر به پستوی خانه بکشاند تا به وظایف شرعاً زنانه خود که همانا بچه داری و خانه داری بود بپردازند. بدین ترتیب با وجود قولهایی که در زمینه احترام به حقوق زنان، پیش از بدست گرفتن کامل قدرت داده شده بود، رهبران ارتجاع به سرعت با پشت کردن به آماجهای قیام ضد سلطنتی و زیر پا گذاردن خواستهای میلیونها زن ایرانی، نظامی مستبد، قرون وسطائی و عمیقاً زن ستیز را بر میهن ما حاکم کردند و فاجعه ای که امروز شاهد آن هستیم را پدید آوردند. فاجعه ای که در آن حقوق زنان میهن ما در عرصه های گوناگون از زندگی شخصی تا اجتماعی به خشن ترین شکل ممکن زیر پا گذاشته می شود و زنان به صورت رسمی به عنوان موجودات "درجه دوم" از بسیاری از حقوق اولیه انسانی خود محروم شده اند. رژیم می که با تصویب قوانین ارتجاعی، سعی دارد زنان را در تمام زمینه ها از مردان جدا سازد، مسلماً تنها اهداف زن ستیزانه را دنبال نمی کند بلکه همزمان حفظ و تثبیت حاکمیت ارتجاع و جلوگیری از تحقق دموکراسی در جامعه را نیز هدف گرفته است. زیرا نیمی از جمعیت میهن را زنان تشکیل می دهند و نادیده گرفتن این جمعیت عظیم به معنی نادیده گرفتن نیروی تعیین کننده در مسیر رسیدن به دموکراسی است.

یکی از ابتدائی ترین حقوق انسان "حق پوشش آزاد" است. سردمداران رژیم استبدادی مذهبی از آنجا که قوانین را بر اساس قوانین زن ستیزانه و شرع اسلام تدوین کردند، نه تنها زنان را "نصف مردان" به حساب می آورند که کفالت آنان باید بر عهده مردان باشد بلکه با تصویب قانون ارتجاعی "پوشش اجباری"، زنان را در کفنی سیاه پوشاندند و بدین سان حتی در پوشش آنها که امریست کاملاً شخصی دخالت کرده و عملاً آنان را به موجوداتی که باید تن و بدن خود را از دید نامحرم دور بدارند زیرا ارزشی بر مراتب کمتر از مرد دارند به انتظار عمومی معرفی و این چنین تبعیض جنسی را هر چه بیشتر در جامعه نهادینه تر کردند. حکومت همواره تلاش کرده است به هر وسیله ممکن بین زنان و مردان در زمینه های فرهنگی، بهداشتی و عمومی شکاف عظیمی بوجود آورد.

در کشاکش بحران فراگیر در جامعه، دستگاه های رژیم طی هفته های گذشته بار دیگر در صدد فشار بر زنان بر آمدند. در پی بخشنامه ای اداره اماکن به فروشندگان پوشاک، مأموران نهاد فوق به فروشگاه های لباس یورش بردند. این مأموران با متر کردن چاک و اندازه روپوشهای زنانه، به جمع آوری آن دسته روپوشهایی که از منظر آنها "کالاهای ضد ارزشی" و "ضد فرهنگی" نامیده می شود، پرداختند و برخی از فروشگاهها را لمپ کردند. روزنامه انتخاب مورخ پنجشنبه اول خرداد، صحبتهای برخی از فروشندگان پوشاک در خیابان ولی عصر تهران را منعکس کرده است، افراد فوق گفته اند که اداره اماکن برای مغازه داران، علاوه بر فروش مانتوهای صورتی، سفید و مانتوهای که درازای آنان کمتر از ۱۰۰ و چاک آنها بیشتر از ۱۵ سانتی متر باشد، بعضی عینکهای آفتابی و کراوات را نیز ممنوع کرده است.

در حالی که با گذشت ۲۴ سال هنوز متر زدن چاک و قد و قواره روپوش زنان به عنوان نماد فرهنگ مردسالارانه حکومت، دل مشغولی پایوران رژیم است اما زنان و به ویژه جوانان در تمام این مدت در اشکال مختلف، منجمله با پوشش و رفتار خود نشان داده اند که ارزشهای تحمیل شده حکومتی را به ریشخند می گیرند. "رفع حجاب اجباری" یکی از خواسته های دموکراتیک جنبش زنان میهنمان است و از آنجا که هر مبارزه ابزار خود را می طلبد، زنان برای رسیدن به مطالبات دموکراتیک خود نیاز مبرم به ایجاد تشکل های مترقی و مستقل از باندهای حکومتی داشته تا بتوانند با برنامه مشخص راه را برای بازیابی حقوق پایمال شده خود باز کنند، موفقیت در ایجاد تشکلی مستقل که جدا از منافع حکومتیان عمل کند، می تواند تأثیرات شگرفی به نفع زنان به همراه داشته باشد. از آنجا که مسأله زنان نه تنها جدا از پیکار مردم برای رسیدن به دموکراسی و عدالت اجتماعی نیست بلکه بخش جدائی ناپذیر و تعیین کننده یی از آن و همچون معضلات دیگر جامعه ارتباط ناگسستی با حاکمیت استبدادی مذهبی و رونمای قرون وسطائی آن دارد، زنان باید در امر پیوند تشکلهای خود با دیگر تشکل های مستقل و دموکراتیک اقشار جامعه برای سازماندهی جنبشی اجتماعی و در راستای طرد تئوری سیاسی رژیم و تغییر روابط طبقاتی حاکم و جایگزین کردن آن با حکومتی سکولار و دموکراتیک بکوشند.

به رغم تمام توطئه ها و تلاش های رژیم برای کنار راندن زنان از عرصه های گوناگون اجتماعی، تاریخ معاصر ایران شاهد شرکت گسترده زنان در اعتصابات و اعتراضات مردمی در گوشه کنار کشور است. نقش ویژه زنان در جنبش دانشجویی روزهای اخیر و همیاری زنان غیردانشجو به دانشجویان بسیار قابل

بقیه در صفحه ۱۵



تظاهرات مشترک سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، حزب احیای کمونیستی، حزب دموکراسی مردمی، سندیکای مستقل فرهنگیان، سازمان جوانان حزب احیای کمونیستی به مناسبت سالروز ۱۸ تیر، در همبستگی با جنبش دانشجویی و مبارزات مردم ایران امروز (چهارشنبه ۱۸ تیر) در مقابل سفارت رژیم ایران در رم با حضور گسترده ایرانیان به طور موفقیت آمیز برگزار شد.



هنگامی که در نوامبر سال ۱۹۱۷ بلشویکها قدرت را در روسیه به دست گرفتند و تمامی قراردادهای محرمانه‌ی رژیم تزاری و از جمله قرارداد سایکس-پیکو را منتشر ساختند، آن گاه اعراب به عمق خیانتی که به آن‌ها شده بود پی بردند.

### عراق زیر سلطه‌ی بریتانیا

پس از خاتمه‌ی جنگ غنایم آلمان و عثمانی میان فاتحان جنگ تقسیم گردید؛ و تمامی وعده-وعیدهای بریتانیا به اعراب در باره‌ی استقلال شان یک شبه به دست فراموشی سپرده شد. فرانسه حق سرپرستی لبنان و سوریه را به دست آورد، و حق سرپرستی فلسطین و عراق نیز به انگلستان سپرده شد.<sup>۵</sup>

سپس، بریتانیا تهدید نمود که چنانچه موصل، که انتظار می رفت که دارای نفت بسیار باشد، جدا شود، این کشور به جنگ متوسل خواهد شد. فرانسه نیز به شرط حمایت بریتانیا از تسلط اش بر لبنان و سوریه، از ادعای اش بر موصل دست کشید. در عین حال، بریتانیا حاضر شد تا بیست و پنج درصد سهام "کمپانی نفت ترکیه" نیز به فرانسه تعلق بگیرد.

اما، شورشیان ضدامپریالیستی از همان روزهای نخست برای بریتانیا مسأله ساز گردید. در سال ۱۹۲۰ و بلافاصله پس از اعلام سرپرستی بریتانیا بر عراق، شورش علیه حکام انگلیسی برپا شد و به سرعت در سراسر کشور گسترش یافت. انگلیسیها به سرکوب بی رحمانه‌ی قیام مبادرت کردند، و همان طور که یک سال پیش تر از آن در ایالات پنجاه هند قیام رولات را با بمبارانهای هوایی سرکوب نموده بودند، در این جا نیز جنایتکارانه به بمباران وسیع روستاها دست زدند. در همان سال وینستون چرچیل، وزیر جنگ وقت انگلستان، گفته بود که "بین النهرین را می توان با کمترین هزینه به وسیله‌ی هواپیماهای مسلح به بمب های گاز شیمیایی، و با کمترین نیروی ممکن که می تواند متشکل از تنها ۴۰۰۰ انگلیسی و ۱۰۰۰۰ هندی باشد حفاظت نمود"، سیاستی که در سال ۱۹۲۱ به طور رسمی در کنفرانس قاهره اتخاذ شد.

بریتانیا که از قیام مردم به وحشت افتاده بود، تصمیم گرفت که ابا بر سر کار گماردن یک رژیم دست نشانده ظاهر سازی کند.<sup>۶</sup> به این منظور،

در آغاز سده‌ی بیستم بریتانیا مستقیماً بر مصر، سودان، و خلیج فارس حکومت می کرد، و فرانسه نیز قدرت مسلط در لبنان و سوریه بود. ایران هم به دو منطقه‌ی نفوذ بریتانیا و روسیه‌ی تزاری تقسیم شده بود. در واقع، تقسیم سرزمین های متعلق به امپراتوری عثمانی (از ترکیه تا شبه جزیره‌ی عربی) در دستور کار کشورهای امپریالیستی قرار داشت.

هنگامی که آلمان، که در جرگه‌ی امپریالیستهای تازه وارد به شمار می رفت، با گرفتن امتیاز تأسیس خط آهن بین اروپا و بغداد سعی داشت تا حیطة نفوذش را در منطقه افزایش دهد، اما به سرعت با واکنش بریتانیا روبرو گردید. در آن زمان بریتانیا - به ویژه نیروی دریایی اش - به اهمیت استراتژیک نفت به خوبی پی برده بود، و در عین حال احتمال بسیار قوی داده می شد که منطقه‌ی خاورمیانه از نظر منابع نفتی بسیار غنی باشد. دولت بریتانیا با سرمایه گذاری ای معادل ۲/۲ میلیون پوند در شرکت نفت ایران-انگلیس (یک شرکت تماماً انگلیسی که در ایران فعال بود) پنجاه و یک درصد از سهام شرکت را از آن خود ساخت. یک کارسازار ماجراجوی آمریکایی به نام گلبنکیان<sup>۱</sup> با توجه به وجود نفت در ایران مدعی گردید که عراق نیز بالطبع باید دارای منابع نفت باشد. بنا به ابتکار وی کمپانی نفت ترکیه<sup>۲</sup> تأسیس گردید که مالکیت اش به ترتیب به بریتانیا (پنجاه درصد)، آلمان (بیست و پنج درصد)، و رویال داچ-شل<sup>۳</sup> (بیست و پنج درصد) تعلق داشت.

جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) اهمیت کنترل منابع نفت را برای مقاصد نظامی به امپریالیست ها ثابت نمود، و بدین ترتیب ضرورت عاجل کنترل منابع نفت مطرح گردید. به محض اعلان جنگ با عثمانیها، دولت بریتانیا نیروهای اش را که عمدتاً متشکل از سربازان هندی بود در جنوب عراق پیاده نمود، و سرانجام در سال ۱۹۱۷ توانست بغداد را اشغال کند. در سال ۱۹۱۸ و با زیرپا گذاشتن پیمان ترک جنگ با ترک ها، که یک هفته پیشتر از آن امضاء شده بود، نیروهای بریتانیایی موصل را نیز تصرف نمودند.

در طول جنگ، انگلیسی ها دو سری مذاکرات محرمانه را به طور موازی دنبال می نمودند که در محتوا متضاد بود. اولین سری از مذاکرات با شریف حسین والی مکه بود. انگلیسی ها به وی وعده دادند که در ازای به راه افتادن شورش از سوی اعراب بر علیه عثمانیها، آنها از استقلال اعراب بعد از خاتمه جنگ حمایت خواهند نمود. اما، انگلیسیها اصرار داشتند که بغداد و بصره به عنوان مناطق ویژه‌ی منافع بریتانیا باقی خواهند ماند، و بنابراین "ترتیبات اداری مخصوصی" برای "حفظ منافع اقتصادی دو طرف" لازم خواهد بود.

دومین سری از این مذاکرات مخفیانه و با نقض آشکار تعهداتی که در بالا به آن ها اشاره شد، میان بریتانیا و فرانسه جریان داشت. بر اساس توافقنامه‌ی سایکس-پیکو<sup>۴</sup> که در سال ۱۹۱۶ به امضا رسید، عراق میان بریتانیا و فرانسه تقسیم گردید. بر طبق این تقسیم بندی ولایت موصل به فرانسه تعلق می گرفت، در حالی که بغداد و بصره در زیر حاکمیت بریتانیا باقی می ماند. برای جلب رضایت روسیه‌ی تزاری ناحیه‌ی شمال شرقی ترکیه نیز به این کشور وعده داده شد.

مقاله حاضر، که اقتباسی است از کتاب "در پشت پرده تجاویز نظامی به عراق" (Behind the Invasion of Iraq) مدتی پیش از آن که تجاوز نظامی امپریالیست ها به عراق آغاز شود، تهیه شد. کتاب مزبور حاصل کار گروه تحقیق مسایل اقتصاد سیاسی بوده و توسط انتشارات ماتلی ری ویو منتشر گشته است. این مقاله در شماره اول از دوره‌ی ۵۵ ماهنامه‌ی ماتلی ری ویو (ماه می ۲۰۰۳)، ص ۴۹-۲۰ چاپ شده است.

در هنگام ترجمه، به منظور روان تر شدن متن، تمامی مطالبی که در داخل پرانتز آمده بود به زیرنویس منتقل شده است. (ب. محله)

### چرا عراق؟

در سایه‌ی طرح فعلی ایالات متحده برای حمله به عراق و اشغال آن، سه تم اصلی در تاریخ صد ساله‌ی اخیر این کشور برجسته می شود. نخست، تلاش قدرت های امپریالیستی برای سلطه بر عراق به منظور تصاحب منابع نفتی بیکران آن است. در این رابطه به سختی می توان خط تمایزی میان کمپانیهای نفتی و دولتهای متبوعشان رسم نمود. این دولتها همواره سعی نموده اند تا جای پای کمپانیهای نفتی خودی را در آن جا سفت نموده و حتا اگر شده به طور نظامی از منافع آنها حمایت نمایند.

دوم، تلاش تک-تک قدرت های امپریالیستی برای خارج نگه داشتن دیگر رقبای امپریالیست از گردونه‌ی رقابت بوده است.

سوم، مخالفت ناسیونالیستی رزمنده‌ی خلق عراق و دیگر خلقهای منطقه علیه این گونه طرحهای امپریالیستی است. این مخالفتها گاهی به شکل قیامهای توده ای و در مواردی به شکل فشار عمومی بر حکام داخلی برای عقد قراردادهای بهتر و یا حتا فشار برای مصادره‌ی کمپانی های خارجی بروز نموده است.

بررسی حاضر تنها معطوف به عراق بوده و از حد یک طرح مقدماتی برای یک چنین مطالعه ای فراتر نمی رود.

### از مستعمره به نیمه مستعمره: ورود

#### امپریالیسم

عراق که زادگاه نخستین تمدن های بزرگ بشری بوده است، خاور دور جهان عرب به شمار می رود. در ازمنه‌ی قدیم این سرزمین بین النهرین (سرزمین میان دو رودخانه‌ی دجله و فرات) نامیده می شد، که در قرن هفتم میلادی به عراق تغییر نام یافت. برای سده های متوالی بغداد شهری غنی و سرزنده و مرکز علمی جهان عرب بود. این کشور از قرن شانزدهم تا سال ۱۹۱۸ بخشی از امپراتوری عثمانی بود که به سه ولایت (استان) تقسیم شده بود: ولایت موصل در شمال، ولایت بغداد در مرکز و ولایت بصره در جنوب. اکثریت ساکنین ولایت شمالی را کردها تشکیل می دادند؛ در حالی که اعراب سنی و شیعه اکثریت سکنه‌ی دو ولایت مرکزی و جنوبی بودند.

هنگامی که امپراتوری عثمانی به سرآشویی سقوط افتاد، بریتانیا و فرانسه شروع به دست اندازی به مناطق نفوذش کرده و با به راه انداختن پروژه های عظیمی هم چون ساختمان خطوط آهن و کانال سوئز سعی کردند که کشورهای عربی را تا خرخره به بانکهای بریتانیایی و فرانسوی بدهکار سازند.

<sup>۵</sup> سیستم "حق سرپرستی" پوششده‌ی نازکی بود برای مخفی نگاه داشتن تداوم سلطه‌ی استعماری که توسط لیگ ملل، سلف سازمان ملل متحد فعلی، خلق گردید. بر این اساس، سرزمین های تحت سرپرستی، که قبلاً در تملک امپراتوری عثمانی قرار داشتند، می باید توسط قدرت های امپریالیستی پیروز جنگ کنترل شوند، تا زمانی که ثابت کنند که قابلیت اداره خویش را دارا شده اند!

<sup>۶</sup> Rowlatt agitation

<sup>۷</sup> به گفته‌ی لرد کرزن وزیر خارجه وقت، خواست بریتانیا در سرزمین های عربی "ایجاد دولتی است عربی که تحت الحمایه انگلستان قرار داشته و تحت کنترل یک نفر محمدی قرار داشته باشد، و تا آنجا هم که ممکن است اعضاء این دولت را خود اعراب تشکیل بدهند... سرزمین های تسخیر شده را نباید به قلمرو کشور فاتح ضمیمه نمود. بلکه، هضم و جذب این سرزمین ها می باید با عناوینی مجازی مانند کشور تحت الحمایه، قلمرو نفوذ، کشور میانگیر و نظایر آن پوشانده شود."

<sup>۱</sup> Gulbenkian

<sup>۲</sup> Turkish Petroleum Company (TPC)

<sup>۳</sup> Royal Dutch-Shell

<sup>۴</sup> Sykes-Picot

بقیه از صفحه ۱۰

کمیساریای عالی بریتانیا برای ملک فیصل اول، که از خاندان هاشمی مکه بود و از سوری‌های زیر حاکمیت فرانسه اخراج شده بود، اعلام پادشاهی نمود. فیصل، این عروسک خیمه شب بازی نیز بلافاصله قرارداد همپیمانی با انگلستان را امضا نمود که مفادش چیزی جز همان تحت سلطه نگاه داشتن عراق نبود. این خیمه شب بازی آن چنان با مخالفت ملی روبرو شد که کل کابینه‌ی دست ساز مجبور به استعفا گردید و کمیساریای عالی بریتانیا برای چندین سال مستقیماً به اعمال حاکمیت دیکتاتوری روی آورد. رهبران ملی به طور وسیعی از کشور تبعید شدند.<sup>۱</sup> انگلیسیها همزمان قانون اساسی عراق را تدوین نمودند که به پادشاه اختیارات مستبدانه در قبال پارلمان می داد.

برپای تظاهرات گسترده‌ی مردم در بغداد که خواهان استقلال کامل بودند باعث به تعویق افتادن تصویب قرارداد [همپیمانی] توسط مجلس مؤسسان گردید. کمیساریای عالی بریتانیا اما نهایتاً با تهدید به انحلال مجلس توانست به زور آن قرارداد را به تصویب برساند. اما، حتا پیش از تصویب قرارداد مزبور، و حتا پیش از آن که یک دولت دست‌نشانده‌ی عراقی وجود داشته باشد، و به رغم مخالفت‌های سراسری و استعفای دو عضو کابینه، امتیاز جدیدی به "کمپانی نفت ترکیه" در مورد کل عراق اهدا شد.<sup>۲</sup> شرایط اعطا این امتیاز که عملاً تمام کشور را تا سال ۲۰۰۰ در اختیار "کمپانی نفت ترکیه" قرار می داد کاملاً ظالمانه بود. بنا بر این قرارداد سهم عراق چیزی در حدود چهار شیلینگ در هر تن نفت تولید شده بود. در ازای این بذل و بخشش خارق‌العاده "هدیه‌ی" به مبلغ چهل هزار پوند به ملک فیصل پرداخت شد. کمپانیهای نفتی برای این امتیاز بود که در یک دوره پنجاه ساله پس از آن برای دفاع از "حق مشروع شان" می جنگیدند.

### جنگ بر سر نفت

با شکست آلمان در جنگ [اول جهانی]، سهم این کشور در "کمپانی نفت ترکیه" به دست بریتانیا افتاد. بنابراین، بریتانیا تقریباً به طور کامل بر کمپانی تسلط یافت. اما، به واسطه‌ی روابط جدید قدرت در سطح جهانی در میان قدرت‌های امپریالیستی چنین سلطه‌ی قابل دوام نبود. اگرچه بریتانیا در میان قدرت‌های امپریالیستی بزرگ‌ترین امپراتوری را داشت، اما آفتاب دولت اش بر سر بام بود. بریتانیا که قادر به رقابت با اقتصاد مدرن صنعتی نبود، زبونانه تلاش نمود تا با

<sup>۱</sup> در این دوره کل منطقه در جوش و خروش بود، و مبارزه‌ی ضد امپریالیستی در فلسطین و سوریه نیز در حال رویش بود.

<sup>۲</sup> در میان تمهیدات دیگر، بریتانیا با تهدید به این که در مذاکره با ترک‌ها بخش نفتخیز شمال کشور را به ترک‌ها واگذار خواهند نمود سعی در ترساندن عراقی‌ها نمود. در حالی که این دقیقاً در تضاد با آن چیزی قرار داشت که آن‌ها در مذاکره با فرانسوی‌ها می خواستند. این گونه است که حتا مرزهای کشورهای این منطقه نیز برای تسهیل در امر استثمار امپریالیستی تعیین شد. در این میان شرایط بیش از همه برای کردها زیانبار بود، که سرزمین شان توسط قدرت‌های امپریالیستی میان سوریه، عراق، ترکیه و ایران قسمت گردید.

توسل به سلطه‌ی انحصاری اش بر مستعمرات، قدرت رقابت اقتصادی اش را جبران نماید؛ در حالی که ایالات متحده، که اکنون پروسه‌ی تبدیل شدن به قدرت مسلط سرمایه داری را طی می کرد، خواهان چرخش به سوی سیاست "درهای باز"، جهت بهره برداری از دارایی قدرت‌های استعماری کهن بود. وودرو ویلسون رییس جمهور وقت ایالات متحده دو سال پس از پایان جنگ اول جهانی نوشت که:

"برای من واضح است که ما در آستانه‌ی یک جنگ بازرگانی تمام عیار قرار داریم، و نگرانی من از آن است که بریتانیای کبیر قابلیت وحشیگری بازرگانی اش را به همان درجه‌ای که آلمان برای چندین سال به نمایش گذاشت به اثبات برساند."<sup>۳</sup>

کمپانی‌های نفتی آمریکایی با حمایت دولت ایالات متحده خواهان شرکت در "کمپانی نفت ترکیه" شدند، و در سال ۱۹۲۸ دو کمپانی نفتی به نام‌های جرسی استاندارد<sup>۴</sup> و ساکونی<sup>۵</sup> توانستند ۲۳/۷۵ درصد از سهام کمپانی را در کنار شرکای انگلیسی، فرانسوی شان به چنگ آورند. بدین ترتیب منافع تقریباً تمامی کمپانیهای عمده نفتی جهان در "کمپانی نفت ترکیه"، که به "کمپانی نفت عراق" تغییر نام یافت (و از این جا به بعد "کمپانی" نامیده می شود)، تأمین گردید.

### ستیز با مبارزه ملی مردم عراق

زیر فشار مخالفت‌های دائمی از سوی مردم، بریتانیا مجبور شد که در سال ۱۹۳۲ به طور ظاهری به عراق "استقلال" بدهد. اما بریتانیا به این هم زمانی رضایت داد که توانست قرارداد تازه‌ای را به عراق تحمیل کند که بر "همپیمانی تنگاتنگ" و "مواضع مشترک دفاعی" میان دو کشور مهر تأیید می زد؛ قراردادی که در اساس به حاکمیت انگلستان بر عراق به طور غیر مستقیم تداوم می بخشید.

اما همین "استقلال" هم دیری نپایید. در سال ۱۹۴۱ بخش‌هایی از ارتش و احزاب سیاسی عراق به کودتایی علیه ملک فیصل دست زدند و نزدیک بود که با پیوستن به کشورهای موسوم به محور، آزادی شان را از سلطه‌ی بریتانیا به دست آورند. اما، بریتانیا یک بار دیگر عراق را اشغال نمود و سلطنت را دوباره برقرار ساخت و یک کابینه‌ی دست‌نشانده را به سر کرده گی سگ خانگی اش، نوری سعید، به کار گمارد.

پس از خاتمه جنگ [دوم جهانی] در سال ۱۹۴۵، انگلستان با اعلام حکومت نظامی در سراسر عراق سعی در سرکوب تظاهرات و اعتراضات مردم در واکنش به رخدادهای فلسطین نمود.<sup>۶</sup> دقیقاً در همان زمان قرارداد تازه‌ی دیگری با انگلستان به امضا رسید

<sup>۳</sup> Woodrow Wilson

<sup>۴</sup> Joe Stork, Middle East Oil and the Energy Crisis, NY, Monthly Review Press, 1975, p. 14.

<sup>۵</sup> Jersey Standard

<sup>۶</sup> Socony (later known as Exxon and Mobil, and today as the merged Exxon-Mobil.)

<sup>۷</sup> لازم به ذکر است که نوری سعید در طی سال‌های بحرانی ۱۹۵۸-۱۹۲۵ چهارده بار به نخست‌وزیری رسید.

<sup>۸</sup> رخدادهای فلسطین اشاره‌ای است به اخراج فلسطینی‌ها و غصب زمین‌های شان توسط رژیم صهیونیستی که تازه به دوران رسیده بود.

که عراق را متعهد می ساخت که در سیاست خارجی هیچ قدمی بر خلاف سیاست خارجی بریتانیا برندارد. براساس این قرارداد، یک کمیته‌ی مشترک دفاعی می باید تشکیل می شد. اما هنگامی که نخست‌وزیر پس از عقد قرارداد از لندن بازگشت با تظاهرات و اعتراضات گسترده‌ی مردم بغداد روبرو گردید؛ تظاهراتی که وی را نهایتاً مجبور به استعفا ساخته و به فسخ قرارداد مزبور انجامید. در سالهای بعد و پس از ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۹۵۱، نیروهای ملی‌گرای عراق نیز خواهان ملی شدن صنعت نفت این کشور گردیدند.

در سال ۱۹۵۲ قیام مردمی دیگری به وقوع پیوست که توسط دانشجویان و نیروهای "تندرو" طراحی و اجرا شد. پلیس از کنترل تظاهرات عاجز ماند و نایب‌السلطنه عراق ارتش را برای فروخواباندن شورش فراخواند. به مدت دو ماه کشور توسط فرماندهی کل نیروهای مسلح و تحت حکومت نظامی اداره شد. در سال ۱۹۵۴ تمامی احزاب سیاسی عراق سرکوب شدند.

### افزایش مداخله جویی‌های ایالات متحده در منطقه

در ایران بود که بهای ایستادن در برابر کمپانیهای بزرگ نفتی مشخص شد. در آن جا، دولت مصدق کمپانی نفت انگلیس را در سال ۱۹۵۱ ملی نمود. اما، پس از دو سال تحریم خریدکننده کمپانیهای بزرگ نفتی، دولت مصدق توسط کودتایی که از سوی سازمان سیا سازماندهی و اجرا شد، سرنگون گردید.

از سوی دیگر رژیم‌های منطقه به طور فزاینده‌ای تحت فشار توده‌های عرب قرار داشتند. در چنین شرایطی جمال عبدالناصر، که با کودتایی در سال ۱۹۵۲ به قدرت رسیده بود، با ملی کردن کانال سوئز و روآوردن به اتحاد شوروی برای دریافت کمک، سیاست رویارویی با ایالات متحده و بریتانیا را در پیش گرفت. مواضع ناصر حمایت‌های وسیع مردمی را در سراسر جهان عرب برای وی به همراه آورد. در آن دوره امواج ضد امپریالیستی وسیعی تمامی کشورهای عربی را دربرگرفته و ثبات رژیمهای دست‌نشانده و طرفدار غرب را به شدت به خطر افکنده بود.

ایالات متحده به ژاندارم جدید منطقه بدل شد تا هرگونه تعرضی علیه امپریالیسم و یا علیه دولت‌های مزدور امپریالیسم در منطقه را سرکوب نماید. برای مثال، هنگامی که کشورهای عربستان سعودی و عراق در سال ۱۹۵۳ اعتصابات کارگران نفت را با توسل به زور اسلحه و حکومت نظامی در هم شکستند، ایالات متحده بی درنگ به هر دو کشور اسلحه و تجهیزات ارسال نمود. پادشاه اردن (که پسر عموی پادشاه وقت عراق بود) در سال ۱۹۵۷ و با اتکا به کمک‌های بی دریغ نظامی و اقتصادی ایالات متحده توانست نخست‌وزیر را دستگیر و

<sup>۹</sup> فردی که از سوی سازمان سیا هدایت عملیات کودتا را به عهده داشت بعداً به معاونت کمپانی نفت خلیج رسید.



## کودتای ۱۹۶۳ و ادامه‌ی مذاکرات با "کمپانی نفت عراق"

کودتای سال ۱۹۶۳ با همکاری حزب بعث (حزب سوسیالیست بعث عرب) و بخشی از ارتش انجام شد. اما، دیری نپایید که حزب بعث توسط همکاران اش در کودتا از حاکمیت بیرون رانده شد. کودتایچنان بلافاصله نیم درصد دیگر از مناطق امتیازی، شامل میدان نفتی رومیلا شمالی<sup>۶</sup>، را به "کمپانی" واگذار نمودند. کمپانی نیز توافق نمود که برای شروع عملیات اکتشاف و توسعه، میدان های نفتی مصادره شده با شرکت ملی نفت عراق وارد مذاکره گردد.

این توافق، اما، آنچنان از سوی افکار ناسیونالیستی عرب محکوم گردید که رژیم تا چندین سال در تصویب آن مردد بود. در عین حال، جنگ اعراب و اسرائیل که عراق نیز در آن شرکت داشت، در سال ۱۹۶۷ به وقوع پیوست. اسرائیل با پشتیبانی ایالات متحده توانست بخشهایی از سرزمینهای متعلق به سوریه، مصر و اردن را اشغال کند. در پی این جنگ بود که روابط دیپلماتیک عراق و ایالات متحده قطع گردید. شدت احساسات ضدآمریکایی و ضدانگلیسی پس از این جنگ در میان توده های مردم آنچنان بالا بود که امر تحویل میدان نفتی رومیلا شمالی به "کمپانی" را برای رژیم کودتا عملاً ناممکن ساخت. در عوض، دولت عراق قانون ۹۷ را گذراند که به موجب آن شرکت ملی نفت عراق رأساً به توسعه‌ی میدانهای نفتی در تمامی کشور، به جز نیم درصد امتیاز "کمپانی"، اقدام می کرد.

افزایش تولید نفت عراق در سال های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۸، در مقایسه با آن چه که در رژیم های رام ایران، عربستان سعودی و کویت و توسط همان غولهای نفتی ای که مالکیت بر "کمپانی" را داشتند حاصل شده بود، به شدت ناچیز بود. از آن جا که پرداختیهای کمپانی به دولت عراق مستقیماً به حجم نفت تولید شده بستگی داشته، و از آن جا که سطح درآمد دولت به طور عمده به این پرداختی ها وابسته بود، تاکتیک "کمپانی" موجب کسادی مالی شدید برای عراق گردید، و مانع از شد که این کشور بتواند دست به اجراء برنامه های توسعه زیربنایی بزند. بنا بر یک گزارش محرمانه، دولت ایالات متحده، در حقیقت کمپانی با حفر چاه در اعماق نادرست و یا پوشاندن چاههای حفر شده توسط بولورز عملاً سعی در کاهش تولید نفت می نمود. این بن بست طولانی مدت بهاء سنگینی را برای عراق در پی داشت: بیش از دوازده سال تنش، رکود اقتصادی، و بی ثباتی سیاسی.<sup>۷</sup>

### به قدرت رسیدن صدام حسین

حزب بعث با کودتایی در سال ۱۹۶۸ به قدرت بازگشت؛ بازگشتی که در طی آن صدام حسین به معاونت ریاست جمهوری و معاونت ریاست شورای فرماندهی کل انقلاب عراق رسید. حزب بعث نیز پس از رسیدن به قدرت راه رها ساختن صنایع نفت از چنگال "کمپانی" را ادامه داد. سرانجام، "کمپانی" در سال ۱۹۷۲ ملی شد، و دولت عراق تعهد نمود که مبلغ سیصد میلیون دلار به سهامداران اش بپردازد، که عملاً با ۳۴۵ میلیون دلار بدهیهای عقب مانده‌ی "کمپانی" به دولت عراق صاف گردید. کشور برای دریافت کمکهای فنی و اعتبار رو به سوی فرانسه و

مقایسه با عراق حتا کشورهایی مانند ایران و عربستان سعودی از ترم های بهتری در قراردادهای نفتی شان با کمپانی ها برخوردار بودند، زیرا حداقل آن قراردادهای تمامی حوزه های نفتی در سراسر کشور را در برنمی گرفت، در حالی که "کمپانی نفت عراق" مالکیت حوزه های نفتی در سرتاسر عراق را در دست داشت.

اما، صاحبان "کمپانی"، به ویژه غول های نفتی آمریکایی و بریتانیایی، مالکیت حوزه های نفتی در نقاط دیگر جهان را نیز دارا بودند، و این که ابتدا کدام حوزه، نفتی مورد بهره برداری قرار بگیرد را پارامترهایی مانند هزینه تولید تعیین نمی کرد، بلکه این ملاحظات پیچیده‌ی استراتژیک بود که آن را معین می ساخت. مالکان "کمپانی" برای توسعه‌ی حوزه های نفتی عراق و یا ازدیاد ظرفیت پالایشگاههای نفت هیچ گونه شتابی به خرج نمی دادند. بد نیست که گفته شود که تأسیسات موجود "کمپانی" در آن زمان تنها نیم درصد کل حوزه های نفتی را تحت پوشش قرار می داد. در برابر درخواست عبدالکریم قاسم مبنی بر این که "کمپانی" شصت درصد از مناطق نفتی منظور شده در امتیاز نفت را به دولت واگذار نموده، حجم تولید نفت را در چارچوب تأسیسات موجود دو برابر ساخته، و حجم نفت تصفیه شده را نیز تا دو برابر افزایش دهد، "کمپانی" تولید نفت خود را کاهش داد. غولهای نفتی مصمم بودند که از عراق درسی بسازند که تا دیگر کشورهای تولید کننده‌ی نفت جرئت قد علم کردن در برابر آنها را نداشته باشند.

در پاسخ به ناسازگارپهای غولهای نفتی، عبدالکریم قاسم از پیمان بغداد و بلوک استرلینگ<sup>۳</sup> خارج شد؛ پیمانی را برای همکاری های اقتصادی و فنی با اتحاد شوروی امضا کرده، نیروهای انگلیسی را از پایگاه حبانیه<sup>۴</sup> اخراج و برنامه‌ی کمکهای ایالات متحده را لغو نمود. وی در سال ۱۹۶۱ تمامی مذاکرات با "کمپانی" را قطع کرد و قانون ۸۰ را به تصویب رساند که بر اساس آن کمپانی می توانست تنها به استفاده از تأسیسات موجودش ادامه دهد، و مابقی نواحی نفتی به دولت تعلق می گرفت.

شرکتهای نفتی در برابر این اقدام دولت به کاهش باز هم بیشتر تولید نفت دست زدند. قاسم نیز در تلافی این گونه اقدامات شرکتهای نفتی در سال ۱۹۶۳ تأسیس یک شرکت دولتی نفت<sup>۵</sup> را برای توسعه و بهره برداری از نواحی خازج از حوزه های فعالیت "کمپانی" اعلام نموده، و در عین حال یادداشت تهدیدآمیز ایالات متحده مبنی بر محاصره و تحریم اقتصادی عراق در صورت ادامه‌ی مواضع اش را علنی ساخت. تنها چهار روز پس از این اقدام بود که عبدالکریم قاسم توسط کودتایی که به گفته‌ی هفته نامه پاریسی اکسپرس<sup>۶</sup> "از سازمان سیا الهام گرفته بود" سرنگون شد.

در حالی که همین سرمایه گذاری اندک هم آن چنان بازدهی داشت که بتواند منابع مالی مورد نیاز تمامی سرمایه گذاری های آینده را فراهم سازد. براساس محاسبه‌ی جو استورک (Joe Stork) سوددهی کمپانی های نفتی در عراق تنها در سال ۱۹۶۳ بالغ بر ۳۲۳ میلیون دلار بود.

<sup>۳</sup> Sterling bloc

<sup>۴</sup> Habbaniya

<sup>۵</sup> شرکت ملی نفت عراق

<sup>۶</sup> L'Express

بقیه از صفحه ۱۱

پارلمان اردن را منحل ساخته، فعالیت تمامی احزاب سیاسی را غیرقانونی اعلام نموده، و مخالفان اش را در اردوگاه های کار اجباری به اسارت درآورد. رژیم دست راستی لبنان در تلاش اش برای سرکوب قیام ملی مردم در سال ۱۹۵۸ از تجهیزاتی که ایالات متحده در اختیارش نهاده بود سود می جست. رژیمهای مزدور ترکیه، عراق و پاکستان با کمک و هدایت ایالات متحده به دور هم گرد آمده و پیمانی را علیه اتحاد شوروی ایجاد نمودند که پیمان بغداد نامیده می شد.<sup>۱</sup> عراق که تنها کشور عرب عضو این پیمان بود به شدت از سوی جمال عبدالناصر مورد سرزنش قرار گرفت.

### به سوی ملی کردن صنعت نفت

بخشی از ارتش به رهبری عبدالکریم قاسم در ژوئیه‌ی سال ۱۹۵۸ قدرت را در عراق به دست گرفت. در پی کودتا، ملک فیصل (پادشاه عراق) و نوری سعید، نخست وزیر و نور چشمی امپریالیستها اعدام شدند، و در میان شادی و شغف همگانی رژیم عراق به جمهوری تبدیل شد. این نخستین بار بود که رژیم مزدوری در یک کشور تولید کننده‌ی نفت سرنگون می شد. در اولین اعلامیه ای که از سوی رژیم جدید صادر شد با تکیه بر آگاهیهای ضد امپریالیستی توده ها آمده است که: "با کمک خداوند قادر و با حمایت مردم و نیروهای مسلح توانسته ایم کشور را از زیر سلطه‌ی مثنی فاسد که توسط امپریالیستها برای سرکوب مردم گماشته شده بودند، رها سازیم."

ایالات متحده و بریتانیا در تدارک حمله به عراق بدون فوت وقت نیروهای شان را به ترتیب به لبنان و اردن گسیل داشتند. اما از بدشانسی ایالات متحده، رژیم ساقط شده‌ی پادشاهی آن چنان منفور بود که آنها نتوانستند کسی را برای کمک به طرحشان در داخل کشور پیدا کنند. با این حال، ایالات متحده التیماتومی صادر نمود که اگر رژیم جدید منافع نفتی اش را محترم نشمارد به آن کشور حمله خواهد کرد. رهبران کودتا نیز به نوبه‌ی خود بارها اعلام نمودند که به منافع نفتی آمریکا لطمه نخواهند زد. ایالات متحده و بریتانیا تنها زمانی که یقین یافتند که رژیم جدید به منافع شان آسیب نخواهد رساند، نیروهای شان را از لبنان و اردن خارج ساختند. بدین ترتیب می بینیم که عراق نسبت به تهدیدهای مداخله جویانه امپریالیستی بیگانه نیست.

### فشار توده ها و ضد حمله‌ی کمپانیهای نفتی

اگرچه رژیم جدید عراق با اطمینانهایی که به آمریکاییها داد توانست از زیر فشار آنها خلاص شود، اما فشار توده های مردم هم چنان باقی ماند. توده های عراقی به درستی انتظار داشتند که سقوط عروسک خیمه شب بازی امپریالیستها به لغو کامل امتیازات نفتی دوران استعمار انجامیده و یا حداقل قرارداد نفتی جدیدی از نو مورد مذاکره قرار گیرد.<sup>۲</sup> در

<sup>۱</sup> این پیمان بعدها به سازمان پیمان خاورمیانه و سپس به سازمان پیمان مرکزی تغییر نام یافت و کشورهای ایران و انگلستان نیز به آن پیوستند.

<sup>۲</sup> بنا به گفته‌ی مایکل تانزر (Michael Tanzer) مجموعه‌ی سرمایه گذاری اولیه کمپانی های نفتی در عراق از مرز پنجاه میلیون دلار تجاوز نکرد،

بقیه از صفحه ۱۲

اتحاد جماهیر شوروی آورد. اتحاد شوروی از جمله پروژه میدان نفتی رومیای شمالی را کم و بیش بر طبق زمانبندی مقرر به اتمام رساند.

[حضور و نفوذ در] عراق برای شوروی جهش مهمی به حساب می آمد: عراق بر خلاف مصر و سوریه، که شوروی با آنها روابط نزدیک داشت، دارای ذخایر نفتی عظیمی بود.<sup>۱</sup> قراردادهای پرسود، امکان سرمایه گذاری جدید در اروپای شرقی از محل اضافه درآمدهای حاصل از این قراردادها، قراردادهای هنگفت تسلیحاتی، و امید به نفوذ هرچه بیشتر شوروی در منطقه از جمله عوایدی بود که برای شورویها حاصل می شد. فرانسه نیز روابط نفتی اش با عراق را حفظ نمود.<sup>۲</sup>

ملی شدن صنعت نفت عراق در مجموعه شرایط زیر صورت گرفت: یکم، حتما رژیم های طرفدار آمریکا در منطقه نیز درخواست قراردادهای بهتر را با طرفهای مورد معامله شان داشتند؛ دوم، کارشناسان نفتی رادیکال به شیوه ای بسیار دقیق غارت و چپاول وطن عربی را دائما افشا نموده و از این طریق به توده ها آگاهی می دادند؛ سوم، سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) نیز فعالانه خواهان بستن قراردادهای نفتی با شرایط بهتری بود؛ چهارم، گروهی از افسران لیبیایی به رهبری معمر قذافی در سال ۱۹۶۶ پادشاهی لیبی را سرنگون کرده و خواستار رویارویی با کمپانیهای نفتی شده بودند؛ و پنجم، مبارزه مسلحانه ای خلق فلسطین نیز تولد می یافت. شکست اعراب در جنگ ۱۹۷۳ بیش از پیش بر خشم و انزجار توده های مردم از ایالات متحده افزود. این روند با تحریم نفتی اعراب علیه کشورهای غربی دامنه ای جدیدی یافت و قیمت نفت ناگهان به شدت افزایش یافت. عراق به عنوان یکی از عمده ترین تولید کنندگان نفت، نقش بسیار مهمی را در این مبارزه به عهده داشت.

<sup>۱</sup> البته، انور سادات رییس جمهور مصر در سال ۱۹۷۲ با جهت گیری جدیدش رو به سوی ایالات متحده آورد و کارشناسان فنی و نظامی شوروی را از مصر اخراج کرد.

<sup>۲</sup> قابل توجه است که به رغم اهمیت فوق العاده نفت در اقتصاد عراق، و بهاء سنگین وابستگی اش در این زمینه به شرکت های خارجی، این کشور نتوانست در این رشته به آن درجه از خودکفایی تکنولوژیک برسد که فی المثل چین سوسیالیستی در طی همین سال ها بدان دست یافت. به جای آن، عراق تنها تلاش نمود که تا وابستگی هایش به کمپانیهای نفتی آمریکایی و انگلیسی را با نزدیک شدن به دیگر کشورهای پیشرفته کاهش دهد.

تا مقطع سرنگونی پادشاهی در سال ۱۹۵۸، عراق عمدتاً یک کشور کشاورزی بود. تنها پس از برکناری مهره های عروسکی دربار بود که در همان سال چندین پروژه صنعتی به راه افتاد. از سال ۱۹۷۳ به بعد، و از محل اضافه درآمد حاصل از افزایش قیمت نفت، هزینه های رفاهی دولت به شکل قابل ملاحظه ای افزایش یافت. خانه سازی افزایش چشمگیری داشت و استانداردهای زندگی به طور قابل توجهی بالا رفت. اما، رژیم با راه اندازی پروژه های مختلفی برای گوناگونگری صنعتی، کاهش واردات کالاهای ساخته شده صنعتی، افزایش تولید کشاورزی و کاهش واردات فرآورده های گیاهی و دامی، و افزایش چشمگیر فرآورده های غیرنفتی از این هم گامی فراتر برداشت. سرمایه گذاریهای هنگفتی در امور زیربنایی، علی الخصوص در پروژه های آبرسانی و آبیاری، جاده سازی، خطوط آهن و برق رسانی به روستاها صورت گرفت. برای تربیت نسلی از پرسنل صاحب صلاحیت برای صنایع، آموزشهای فنی به شدت گسترش یافت. تمامی این معیارها به طور برجسته ای با آن چه که در شیخ نشین های خلیج فارس، مانند عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی می گذشت، مغایرت داشت. در این کشورها بخشی از درآمد افزوده ی پس از سال ۱۹۷۳ صرف بهبود استانداردهای زندگی فرمانگزاران سلطان می گردید، در حالی که بخش عمده ی آن برای سرمایه گذاری به بانکهای خارجی، و به ویژه آمریکا، روانه می شد. از این رو، ایالات متحده اساساً از افزایش قیمت نفت آسیبی ندید، زیرا اگرچه بهای بیشتری برای نفت وارداتی اش می پرداخت، اما عمده ی مازاد پولی که از این طریق از کشور خارج می شد، دوباره به بخش مالی اقتصادش سرازیر می گشت. در حالی که عراق، برخلاف دیگر کشورها، بخش بسیار بزرگی از درآمد نفتی اش را صرف سرمایه گذاری در داخل نموده و به این سبب دارای گوناگون ترین اقتصاد در میان کشورهای منطقه بود.

قابل توجه است که فضای فرهنگی عراق و پیشرفت در برخی زمینه های معین از حیات اجتماعی مورد تکفیر بنیادگرای اسلامی قرار گرفت. تا سال ۱۹۹۱ باسوادی، به ویژه در میان زنان، به سرعت رشد نمود. زنان عراقی، بدون اغراق، از شرایط آزادتری نسبت به مابقی کشورهای منطقه برخوردار بودند، و از نظر حرفه ای محدودیتی برای شان وجود نداشت.

پایان

## در گوشه و کنار جهان

اسد طاهری

## سازمان ملل

۱۸ مه، خبرگزاری فرانسه - سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد: در سال ۲۰۰۲ در جهان ۴۲ میلیون نفر به "ایدز" مبتلا شدند که ۳/۲ میلیون نفر آن زیر ۱۵ سال سن داشتند. بر اساس این آمار در جنوب آفریقا ۲۹/۴ میلیون نفر، جنوب و جنوب شرقی آسیا ۶ میلیون نفر، شرق آسیا واقیانوس آرام، همچنین اروپای شرقی و آسیای میانه، یک و دو دهم میلیون نفر، آمریکای لاتین یک میلیون و نیم نفر، شمال آفریقا و خاور میانه ۵۵۰ هزار نفر، حوزه دریای کاراییب ۴۴۰ هزار نفر، آمریکای شمالی ۹۸۰ هزار نفر، اروپای غربی ۵۷۰ هزار نفر در استرالیا و زلاندنو ۱۵ هزار نفر به ویروس "ایدز" مبتلا هستند. بر اساس این گزارش، ۳ و یک دهم میلیون نفر در سراسر جهان در سال ۲۰۰۲ بر اثر ابتلاء به ایدز جان خود را از دست دادند که از این تعداد، ۶۱۰ هزار نفر زیر ۱۵ سال داشتند.

## آلمان

۱۸ مه، رویتر - کارگران آلمانی با برگزاری تظاهرات بزرگی در شهر برلین به دولت این کشور هشدار دادند به جای اصلاحات جدید اقتصادی، عدالت اجتماعی را بر قرار کند. در این تظاهرات که بزرگترین اتحادیه اصناف و کارگران آلمان آن را سازماندهی کرده بود، تظاهرکنندگان طرح جدید دولت "گرهارد شرودر" برای اجرای اصلاحات اقتصادی را با عامل ایجاد فاصله طبقاتی بیشتر در جامعه و افزایش سوء استفاده سرمایه داران عنوان کردند. همچنین تظاهرکنندگان کاهش خدمات اجتماعی و کمک های دولتی به قشر کارگر در این کشور را افزایش فشار زندگی به قشر ضعیف آلمان عنوان کردند.

## اسرائیل

۲۵ مه، فینانشیال تایمز - (به نقل از روزنامه جنگ اسرائیل) "آریل شارون" نخست وزیر اسرائیل گفت که فلسطینیان را نمی توان تا ابد تحت اشغال نگه داشت. "شارون" خطاب به قانون گذاران حزبش گفت: "کنترل بر فلسطینیان بدون پایان نخواهد یافت، آیا شما می خواهید تا ابد در جنین، نابلس، رام اله و بیت لحم بمانید؟"

وی افزود: "نگه داشتن ۳/۵ میلیون فلسطینی تحت اشغال برای ما و آنها بد است."

پرو

۲۸ مه، فینانشیال تایمز - در پی اعلام ۳۰ روز حالت فوق العاده و حکومت نظامی در پرو، خودروها و نفربرهای زرهی در خیابان های "لیما" پایتخت پرو مستقر شده اند. این حالت فوق العاده برای مبارزه با اعتصاب فراگیر است. روز ۲۹ مه، سربازان "پروئی" به روی دانشجویان تظاهرکننده در تظاهرات آتش گشودند و یک نفر کشته شد. نظامیان دست به دستگیری مردم زده و منازل شخصی را بدون داشتن مجوز بازرسی می کنند.

کارگران و کارمندان اداره بهداشت و اداره دادگستری در این اعتصابات شرکت کردند.

## مکزیک

حدود سه هزار معلم مکزیک در اعتراض به وضعیت معیشتی خود، در ورودی بازار بورس مکزیک در مکزیکوسیتی پایتخت این کشور را مسدود کردند. تظاهر کنندگان خواهان از سر گیری مذاکرات برسر افزایش حقوق خود شدند.

## کانادا

۲۹ مه، دیلی نیوز - (به نقل از نشریه کانادائی "گرت") کارگران اخراج شده "اولد پورت" مونترال، روز ۲۶ مه به رغم بارش شدید باران در برابر ساختمان های دولتی این شهر دست به یک تظاهرات زدند. این تظاهرات به دعوت اتحادیه های کارگری به حمایت از اخراج ۵۰ تن از کارکنان شرکت خدمات بندری "مونترال" برگزار شده بود. آنان خواهان حقوق و دستمزد کارگران و بهبود شرایط کاری و امنیت شغلی کارمندان این بخش که اکثرشان دهه سوم زندگی خود را پشت سر می گذارند، شدند. کارگران این شرکت که در روزهای ۱۹ و ۲۰ مه دست از کار کشیدند، هنگامی که روز چهارشنبه ۲۱ مه به محل کار خود مراجعت کردند از ورود آنان به داخل محوطه جلوگیری به عمل آمد. همچنین مقامات امنیتی با کار گذاشتن موانعی چون سیم خاردار از نزدیک شدن کارگران خشمگین به تاسیسات "اولد پورت" جلوگیری کردند.

بقیه در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۱۲

اتحاد جماهیر شوروی آورد. اتحاد شوروی از جمله پروژه میدان نفتی رومیای شمالی را کم و بیش بر طبق زمانبندی مقرر به اتمام رساند. [حضور و نفوذ در] عراق برای شوروی جهش مهمی به حساب می آمد: عراق بر خلاف مصر و سوریه، که شوروی با آنها روابط نزدیک داشت، دارای ذخایر نفتی عظیمی بود.<sup>۱</sup> قراردادهای پرسود، امکان سرمایه گذاری جدید در اروپای شرقی از محل اضافه درآمدهای حاصل از این قراردادها، قراردادهای هنگفت تسلیحاتی، و امید به نفوذ هرچه بیشتر شوروی در منطقه از جمله عوایدی بود که برای شورویها حاصل می شد. فرانسه نیز روابط نفتی اش با عراق را حفظ نمود.<sup>۲</sup>

ملی شدن صنعت نفت عراق در مجموعه شرایط زیر صورت گرفت: یکم، حتما رژیم های طرفدار آمریکا در منطقه نیز درخواست قراردادهای بهتر را با طرفهای مورد معامله شان داشتند؛ دوم، کارشناسان نفتی رادیکال به شیوه ای بسیار دقیق غارت و چپاول وطن عربی را دائما افشا نموده و از این طریق به توده ها آگاهی می دادند؛ سوم، سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) نیز فعالانه خواهان بستن قراردادهای نفتی با شرایط بهتری بود؛ چهارم، گروهی از افسران لیبیایی به رهبری معمر قذافی در سال ۱۹۶۶ پادشاهی لیبی را سرنگون کرده و خواستار رویارویی با کمپانیهای نفتی شده بودند؛ و پنجم، مبارزه مسلحانه ای خلق فلسطین نیز تولد می یافت. شکست اعراب در جنگ ۱۹۷۳ بیش از پیش بر خشم و انزجار توده های مردم از ایالات متحده افزود. این روند با تحریم نفتی اعراب علیه کشورهای غربی دامنه ای جدیدی یافت و قیمت نفت ناگهان به شدت افزایش یافت. عراق به عنوان یکی از عمده ترین تولید کنندگان نفت، نقش بسیار مهمی را در این مبارزه به عهده داشت.

<sup>۱</sup> البته، انور سادات رییس جمهور مصر در سال ۱۹۷۲ با جهت گیری جدیدش رو به سوی ایالات متحده آورد و کارشناسان فنی و نظامی شوروی را از مصر اخراج کرد.

<sup>۲</sup> قابل توجه است که به رغم اهمیت فوق العاده نفت در اقتصاد عراق، و بهاء سنگین وابستگی اش در این زمینه به شرکت های خارجی، این کشور نتوانست در این رشته به آن درجه از خودکفایی تکنولوژیک برسد که فی المثل چین سوسیالیستی در طی همین سال ها بدان دست یافت. به جای آن، عراق تنها تلاش نمود که تا وابستگی هایش به کمپانیهای نفتی آمریکایی و انگلیسی را با نزدیک شدن به دیگر کشورهای پیشرفته کاهش دهد.

تا مقطع سرنگونی پادشاهی در سال ۱۹۵۸، عراق عمدتاً یک کشور کشاورزی بود. تنها پس از برکناری مهره های عروسکی دربار بود که در همان سال چندین پروژه صنعتی به راه افتاد. از سال ۱۹۷۳ به بعد، و از محل اضافه درآمد حاصل از افزایش قیمت نفت، هزینه های رفاهی دولت به شکل قابل ملاحظه ای افزایش یافت. خانه سازی افزایش چشمگیری داشت و استانداردهای زندگی به طور قابل توجهی بالا رفت. اما، رژیم با راه اندازی پروژه های مختلفی برای گوناگونگری صنعتی، کاهش واردات کالاهای ساخته شده صنعتی، افزایش تولید کشاورزی و کاهش واردات فرآورده های گیاهی و دامی، و افزایش چشمگیر فرآورده های غیرنفتی از این هم گامی فراتر برداشت. سرمایه گذاریهای هنگفتی در امور زیربنایی، علی الخصوص در پروژه های آبرسانی و آبیاری، جاده سازی، خطوط آهن و برق رسانی به روستاها صورت گرفت. برای تربیت نسلی از پرسنل صاحب صلاحیت برای صنایع، آموزشهای فنی به شدت گسترش یافت. تمامی این معیارها به طور برجسته ای با آن چه که در شیخ نشین های خلیج فارس، مانند عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی می گذشت، مغایرت داشت. در این کشورها بخشی از درآمد افزوده ی پس از سال ۱۹۷۳ صرف بهبود استانداردهای زندگی فرمانگزاران سلطان می گردید، در حالی که بخش عمده ی آن برای سرمایه گذاری به بانکهای خارجی، و به ویژه آمریکا، روانه می شد. از این رو، ایالات متحده اساساً از افزایش قیمت نفت آسیبی ندید، زیرا اگرچه بهای بیشتری برای نفت وارداتی اش می پرداخت، اما عمده ی مازاد پولی که از این طریق از کشور خارج می شد، دوباره به بخش مالی اقتصادش سرازیر می گشت. در حالی که عراق، برخلاف دیگر کشورها، بخش بسیار بزرگی از درآمد نفتی اش را صرف سرمایه گذاری در داخل نموده و به این سبب دارای گوناگون ترین اقتصاد در میان کشورهای منطقه بود.

قابل توجه است که فضای فرهنگی عراق و پیشرفت در برخی زمینه های معین از حیات اجتماعی مورد تکفیر بنیادگرای اسلامی قرار گرفت. تا سال ۱۹۹۱ باسوادی، به ویژه در میان زنان، به سرعت رشد نمود. زنان عراقی، بدون اغراق، از شرایط آزادتری نسبت به مابقی کشورهای منطقه برخوردار بودند، و از نظر حرفه ای محدودیتی برای شان وجود نداشت.

پایان

## در گوشه و کنار جهان

اسد طاهری

## سازمان ملل

۱۸ مه، خبرگزاری فرانسه - سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد: در سال ۲۰۰۲ در جهان ۴۲ میلیون نفر به "ایدز" مبتلا شدند که ۳/۲ میلیون نفر آن زیر ۱۵ سال سن داشتند. بر اساس این آمار در جنوب آفریقا ۲۹/۴ میلیون نفر، جنوب و جنوب شرقی آسیا ۶ میلیون نفر، شرق آسیا و اقیانوس آرام، همچنین اروپای شرقی و آسیای میانه، یک و دو دهم میلیون نفر، آمریکای لاتین یک میلیون و نیم نفر، شمال آفریقا و خاور میانه ۵۵۰ هزار نفر، حوزه دریای کاراییب ۴۴۰ هزار نفر، آمریکای شمالی ۹۸۰ هزار نفر، اروپای غربی ۵۷۰ هزار نفر در استرالیا و زلاندنو ۱۵ هزار نفر به ویروس "ایدز" مبتلا هستند. بر اساس این گزارش، ۳ و یک دهم میلیون نفر در سراسر جهان در سال ۲۰۰۲ بر اثر ابتلاء به ایدز جان خود را از دست دادند که از این تعداد، ۶۱۰ هزار نفر زیر ۱۵ سال داشتند.

## آلمان

۱۸ مه، رویتر - کارگران آلمانی با برگزاری تظاهرات بزرگی در شهر برلین به دولت این کشور هشدار دادند به جای اصلاحات جدید اقتصادی، عدالت اجتماعی را بر قرار کند. در این تظاهرات که بزرگترین اتحادیه اصناف و کارگران آلمان آن را سازماندهی کرده بود، تظاهرکنندگان طرح جدید دولت "گرهارد شرودر" برای اجرای اصلاحات اقتصادی را با عامل ایجاد فاصله طبقاتی بیشتر در جامعه و افزایش سوء استفاده سرمایه داران عنوان کردند. همچنین تظاهرکنندگان کاهش خدمات اجتماعی و کمک های دولتی به قشر کارگر در این کشور را افزایش فشار زندگی به قشر ضعیف آلمان عنوان کردند.

## اسرائیل

۲۵ مه، فینانشیال تایمز - (به نقل از روزنامه جنگ اسرائیل) "آریل شارون" نخست وزیر اسرائیل گفت که فلسطینیان را نمی توان تا ابد تحت اشغال نگه داشت. "شارون" خطاب به قانون گذاران حزبش گفت: "کنترل بر فلسطینیان بدون پایان نخواهد یافت، آیا شما می خواهید تا ابد در جنین، نابلس، رام اله و بیت لحم بمانید؟"

وی افزود: "نگه داشتن ۳/۵ میلیون فلسطینی تحت اشغال برای ما و آنها بد است."

پرو

۲۸ مه، فینانشیال تایمز - در پی اعلام ۳۰ روز حالت فوق العاده و حکومت نظامی در پرو، خودروها و نفربرهای زرهی در خیابان های "لیما" پایتخت پرو مستقر شده اند. این حالت فوق العاده برای مبارزه با اعتصاب فراگیر است. روز ۲۹ مه، سربازان "پروئی" به روی دانشجویان تظاهرکننده در تظاهرات آتش گشودند و یک نفر کشته شد. نظامیان دست به دستگیری مردم زده و منازل شخصی را بدون داشتن مجوز بازرسی می کنند.

کارگران و کارمندان اداره بهداشت و اداره دادگستری در این اعتصابات شرکت کردند.

## مکزیک

حدود سه هزار معلم مکزیک در اعتراض به وضعیت معیشتی خود، در ورودی بازار بورس مکزیک در مکزیکوسیتی پایتخت این کشور را مسدود کردند. تظاهر کنندگان خواهان از سر گیری مذاکرات برسر افزایش حقوق خود شدند.

## کانادا

۲۹ مه، دیلی نیوز - (به نقل از نشریه کانادائی "گرت") کارگران اخراج شده "اولد پورت" مونترال، روز ۲۶ مه به رغم بارش شدید باران در برابر ساختمان های دولتی این شهر دست به یک تظاهرات زدند. این تظاهرات به دعوت اتحادیه های کارگری به حمایت از اخراج ۵۰ تن از کارکنان شرکت خدمات بندری "مونترال" برگزار شده بود. آنان خواهان حقوق و دستمزد کارگران و بهبود شرایط کاری و امنیت شغلی کارمندان این بخش که اکثرشان دهه سوم زندگی خود را پشت سر می گذارند، شدند. کارگران این شرکت که در روزهای ۱۹ و ۲۰ مه دست از کار کشیدند، هنگامی که روز چهارشنبه ۲۱ مه به محل کار خود مراجعت کردند از ورود آنان به داخل محوطه جلوگیری به عمل آمد. همچنین مقامات امنیتی با کار گذاشتن موانعی چون سیم خاردار از نزدیک شدن کارگران خشمگین به تاسیسات "اولد پورت" جلوگیری کردند.

بقیه در صفحه ۱۵



بقیه از صفحه ۱۳

### کلمبیا

۲۸ مه، خبر گزارى پسیفیکا - چریکهای کلمبیائی "فارک" با انفجار یک بمب قوی ساختمان شهرداری و اداره پلیس یک شهر در جنوب این کشور را به کلی ویران کردند. بنا به گفته رادیو محلی "کاراکول"، چریکهای کلمبیائی با استفاده از بیش از ۳۰۰ کیلوگرم مواد منفجره، ساختمانهای مزبور را در مرکز استقرار ادارات دولتی شهر "سان ویسته" در ایالت "کاکه تا" ویران ساختند.

مقامات دولتی بمب گذاری را به گروه "فارک" نسبت دادند. کارشناسان پلیس نیز در این باره اظهار داشتند که "چریکهای فارک" با استفاده از راه فاطلاب این عملیات را صورت دادند.

### کره جنوبی

۱ ژوئن، نیویورک سان - هزاران شهروند کره ای در اعتراض به ورود معاون وزیر دفاع آمریکا به کره جنوبی، در خیابانهای سئول تظاهرات کردند و با پلیس ضد شورش این کشور درگیر شدند.

### چین

۳۱ مه، نیویورک تایمز - شرکت نفت چین که تحت تملک دولت قرار دارد، اعلام داشت امکان خصوصی سازی این شرکت به دلیل اختلاف نظر مدیران با نمایندگان اتحادیه های کارگری مطابق برنامه از پیش تعیین شده یعنی تا آخر سال جاری میلادی وجود ندارد.

شرکت نفت چین یکی از سودده ترین شرکتهای دولتی در چین است که هر ساله درآمدی بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار داشته و ارزش کل آن در حدود ۵۰۰ میلیارد دلار برآورد می شود. پیش از این، ۶۶ درصد سهام این شرکت در بازار بورس عرضه شده بود و دولت چین براساس قانون خصوصی سازی این کشور تصمیم گرفت بقیه ی سهام آن را نیز واگذار کند.

### مرزهای روشن از هر دو سو

بقیه از صفحه ۶

گرم و سرد و البته به کارگیری لمپن ها که برای مزدوری اربابان خیانت پیشه همیشه دست به سینه در صحنه حاضرند، موضوع اصلی سناریو را تشکیل داده است. اما شعار های چند روز اخیر دانشجویان و مردم معترض، مرز بین خلق ایران و همه دسته بندی های رژیم را شفاف تر از همیشه کرده است. هر فرد، تشکل و حزبی که در کنار آنان و تماما با آنان نایستاد و شعار "مرگ بر خامنه ای" و "مرگ بر دیکتاتور" و "خاتمی استغناء" استفاده "را که خواست سرنگونی رژیم را تجلی می دهد نشنیده بگیرد و از آن دفاع نکند، در سمت مقابل مردم قرار گرفته است و دیگر این بیانیه ها با هر فرمولبندی و ادبیات مکارانه نزد کسی به پیشیزی نمی آرزد. هنگامی که کروی، رئیس مجلس ارتجاع، از دستگاه قضائی خواستار برخورد "با ملایمت اما قانونی" می شود، این هیچ پیامی جز خواست بگیر و بند را ندارد.

دانشجویان نه تنها در شعارها بلکه در نامه ها و بیانیه های خود خواستار تغییرات ریشه ای شده اند. روز یکشنبه، دوم تیر، جامعه فرهنگی دانشجویان دانشگاه تهران در بیانیه ای خواستار استعفای محمد خاتمی از ریاست جمهوری شده و در اعتراض به حملات اخیر به دانشجویان، به تحریم تمامی امتحانات دانشگاهها تا روشن شدن وضعیت دانشجویان زندانی و محاکمه مسئولان این فجایع فراخوان داده اند. آیا نمایندگان بیانیه نویس حاضرند در مجلس را بسته، به این "اعتراض کوچک صنفی" پیوسته و چماق لباس شخصی ها، این لمپن های پرورش یافته ی دستگاهشان را خود نوش جان کنند؟

در احیای حقوق دموکراتیک زنان بازی می کند. در همین رابطه یکی از شعارهای کلیدی و رادیکال زنان و دانشجویان و دیگر اقدشار مردم "مرگ بر دیکتاتور" و "دموکراسی با ریش و پشم نمیشه" که همانا به معنای "سکولاریزم" است، بوده.

زنان و دانشجویان فریاد می زنند و خواستار دولتی سکولار هستند و از طرف دیگر فاطمه راغی، یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع که منافع طبقاتی خود را در خطر می بیند و مدافع فرهنگ مردسالارانه حاکم است، با این اعتراضات مخالفت کرده و مردمی که خواستار برپیده شدن نظام دینی و سکولاریزم هستند را متهم می کند که در جهت اهداف آمریکا قدم بر میدارند!!!!

زنان میهن ما خواهان برابری اجتماعی به معنا و مفهوم کامل آن هستند، جامعه ای که در آنان زنان همچون مردان، دقیقاً به میزان جمعیتشان و در همه عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در بالاترین نهادهای تصمیم گیری شرکت داشته و در حیات سیاسی کشور مؤثر باشند. ارتباط جنبش زنان با جنبش خلل ناپذیر مردم برای دموکراسی و عدالت اجتماعی در میهنمان، این مهم را بر خلاف میل مترجمین حاکم تضمین خواهد کرد.

### ادبیات ایران در ....

بقیه از صفحه ۱۴

جنگ با یکدیگر پرداختند. سلطان احمد در سال ۸۹۹ هجری در گذشت.

۱۱ - میرزا سلطان محمود ابن ابو سعید ۸۷۳ - ۹۰۵ هجری. او پس از مرگ ابوسعید در بدخشان و ترمذ و اطراف آن حکمروا بود و در سال ۹۰۵ هجری در جنگ با شیبک خان ازبک کشته شد.

۱۲ - سلطان حسین ابن بایقرا ابن عمر شیخ ابن امیر تیمور، ۸۷۵ - ۹۱۱ هجری. او از سال ۸۷۴ هجری بر خراسان مستولی شد و مدت زمانی به جنگ با یادگار میرزا و حامیان او آق قویونلوها مشغول بود. در سال ۸۷۵ هجری موفق شد یادگار میرزا را شکست دهد و به قتل برساند و دودمان شاهرخ تیموری را بر اندازد. دوران او به کشاکش با ازبکان گذشت. سلطان حسین بایقرا به شعر و ادبیات و هنر متمایل بود و در دوران او کتابخانه بزرگی در هرات تاسیس شد و ده هزار تن از طالبان علوم به خرج او در آنجا مشغول تحصیل علوم مختلف شدند. امیر علیشیر نوائی از دانشمندان بنام، وزارت او را به عهده داشت و جامی شاعر نامدار و بهزاد نقاش برجسته و امیر خوند مولف «روضه الصفا» از معاصران او بودند. او در پایان عمر مدت بیست سال با فلج دست به گریبان بود و با مرگ او در سال ۹۱۱ هجری مطابق با ۱۵۰۵ میلادی کار سلسله تیموریان به پایان رسید.

ادامه دارد

### نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

۱۷ یورو

۲۴ دلار

۴۰

۱۱ دلار

۱۱ یورو

اروپا معادل

آمریکا و کانادا و سوئد

استرالیا

دلار

تک شماره

فرانسه

### آدرس نبرد خلق

در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail:nabard@iran-nabard.com

### جنگ خبر

www.jonge-khabar.com

اخبار روزانه را در جنگ خبر مطالعه کنید

### هر چه گسترده تر باد ....

بقیه از صفحه ۸

تحسین و شایسته است. در سومین شب قیام دانشجویان، جوانان و مردم تهران، زنان آزاده ایرانی روسریهای خود را در مقابل مأموران سرکوبگر رژیم باز کرده و در هوا تکان دادند. این مسئله به روشنی نشان می دهد که زنان ایران برای دستیابی به مطالبات دموکراتیک خود و "رفع پوشش اجباری"، عزم خود را جزم کرده و در کنار مطالبات صنفی دانشجویان، مطالبات صنفی خود را مطرح می سازند زیرا بطرزی هوشیارانه آگاهند که معضلات بیشمار زنان ایران، پدیده ای خارج از مجموعه روابط حاکم و جدا از روندهای کلی جامعه نیست و کاملاً جنبه سیاسی دارد. آنان آگاه گردیده اند که تنها با پیوند جنبش زنان با جنبش دیگر اقدشار جامعه و تغییرات بنیادین اقتصادی، اجتماعی، سیاسی می توان راه را برای تثبیت مقام و جایگاه زنان در جامعه باز کرد. از آنجا که رژیم مبتنی بر ولایت فقیه مظهر استبداد فردی و هم استبداد مذهبی است، مبارزه برای سکولاریزم و کوتاه کردن دست مذهب از حکومت و زندگی شخصی مردم همراه با طرد عنصر ولایت فقیه، نقش بسیار مهمی

### در گوشه و کنار جهان

# NABARD - E - KHALGH

No : 217 10. Jull . 2003 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Postbus 9458 / 1006 AL Amsterdam / HOLLAND

NABARD / P.O Box / London N7 / 7HX - ENGLAND

NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus. NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

اطلاعه :

یورش به خانه های

مجاهدین خلق در حومه

های پاریس و بند و

بست دولت فرانسه با

استبداد مذهبی حاکم بر

ایران را محکوم می

کنیم

صبح امروز به دستور قاضی ژان

لویی بروگر (قاضی ضد تروریسم)

در یک عملیات هماهنگ،

تعدادی از خانه های متعلق به

اعضاء و هواداران سازمان

مجاهدین خلق ایران مورد حمله

پلیس قرار گرفت. بر اساس

گزارش خبرگزاریها، در این

عملیات ۱۲۰۰ پلیس شرکت

داشته و دهها تن از مجاهدین

دستگیر شده اند. پلیس علت این

عملیات که چیزی جز بند و بست

با رژیم استبدادی، مذهبی حاکم

بر ایران نیست را جلوگیری از

عملیات تروریستی اعلام کرده

است. این ادعا کاملاً خلاف

واقعیت و یک دروغ آشکار است

که مصرف آن فقط و فقط برای

خوش آیند رژیم بحرانی حاکم بر

ایران است.

سازمان چریکهای فدایی خلق

ایران یورش ننگین به خانه های

مجاهدین خلق ایران در حومه

پاریس را شدیداً محکوم کرده و

از همه ی ایرانیان و سازمانهای

مدافع حقوق بشر و حقوق

پناهندگان می خواهد، این اقدام

که برای خوش آیند مشتی

تروریست حاکم بر ایران صورت

می گیرد را محکوم کنند. ما

خواستار آزادی فوری دستگیر

شدگان هستیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق

ایران

سه شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۲ - ۱۷

ژوئن ۲۰۰۳

برای آزادی، به نام عدالت

لیلا جدیدی



نظر به اینکه:

با تفنگ و توپ تهدید می کنید ما را،

تصمیم ما بر این است

کز زندگانی بد بیشتر از مرگ بترسیم...

(برشت)

آنگاه که انسانها بر سر دو راهی تسلیم یا

مبارزه در برابر ستم و سلب حقوق طبیعی

و انسانی خود و دیگر خانواده بزرگ

بشری قرار می گیرند، وجدان آگاهشان

برای تصمیم گیری و حرکت از هیچ

مرجع قانونی اجازه دریافت نمی کند.

شکستن سدها و لگد مالی قوانین

ستمگران برجسته ترین خصوصیت آنان

می گردد. در تاریخ تمدن بشری،

وجدانهای بیدار برای زندگی بهتر و

سعادت همگانی حتی از مرگ هم

نهراسیده اند و بدین طریق راه را برای

پیشرفت و تمدن و انسانی زیستن گشوده

اند. این مربوط به مردم این یا آن

سرزمین نمی شود. جان آگاه در جسم

بشرفاقد مرز است. بسیاری از مردم جهان

در تاریخ سرزمینشان با ستم مبارزه کرده،

گاه پیروز و گاه شکست خورده اند اما

جهان در مجموع به پیش رفته است.

تاریخ مبارزاتی سرزمین ما نیز از این

فرمولبندی مبرا نبوده است. در آن میدان

نیز پاک باخته ترین انسانها پرچم این

مبارزات را به دوش کشیده اند و بدین

طریق مشعل دار راه دشوار آزادی گشته و

سمبل مقاومت و صداقت و امید بخش

روانهای پاک دیگر مبارزان گشته اند.

مریم رجوی نیز زن دلاور، پاک باخته و

مبارزی ست که تاریخ نام او را در کنار نام

پر افتخار دیگر پیشخان آزادی قرار خواهد

داد. او نیز بر دوش گیرنده همین پرچم

است. اسارت او در جنگ همدستان رژیم

استبدادی و وحشی ولایت فقیه برای همه

مبارزان راستین، به بند کشیدن انسانیت و

عدالت است. ضربات پوتین ارتجاع و

امپریالیسم بر قلب و مغزه نسل ایرانی در

بند که تلاش می کند خود را از اسارت

وحشی ترین رژیمهای تاریخ رها کند، کوبیده

شده است و آزادی او از بند دولت فرانسه،

طبیعتاً رهائی

نفسی است که در سینه های ما طی دو هفته

اخیر حبس گشته بود.

سلام و درود به نفسهای شعله وری که بساط

نیزنگ و حيله رژیم و همگنانش را به آتش

کشیدند.

سلام و درود به آنان که گرسنگی را به

سلاحی توانمند در این نبرد نابرابر تبدیل

کردند،

و آنان که با قدم و قلم و آنچه که در توان

داشتند حلقه های زنجیر مقاومت را به هم

پیوند زدند.

## دست در دست هم علیه مردم

منصور امان

حجت الاسلام خاتمی، رییس جمهور رژیم

ملاها، درست یکروز پیش از هجدهم تیر، از

پایوران و کارگزاران حکومت می خواهد که

متحد شوند و آنگونه که او می گوید: دست

در دست هم دهند. آقای خاتمی که همزمان

رهبر "اصلاح طلبان" جمهوری اسلامی

محسوب می شود، اندکی بعد توضیح می دهد

که فراخوان او به همیاری و همدلی، به چه

سبب ضروری ست و علیه چه و کدام کسان

به کار خواهد افتاد. او در این رابطه به "توطئه"

های درون و بیرون و همچنین "حساسیتهای

فضای موجود" اشاره می کند.

در این میان و پس از کارزار تبلیغاتی دشنام

گویی علیه دانشجویان، جوانان و مردم، کاملاً

روشن است که مراد آقای خاتمی از "توطئه"،

چیزی فراتر از انکار سیل جاری شده ی

اعتراضات اجتماعی را هدف نگرفته و در

همان سطحی که آقایان الله کرم،

عسگروالادی، مرتضوی و رفسنجانی پیشتر

رویگرد خویش را فرمولبیزه کرده اند، به

حرکت درآمده است. درخواست او همزمان

اعتراف ناگزیر به ناتوانی "نظام" در برابر

جنبش سرنگونی و به رسمیت شناختن قدرتی

است که رژیم را در مجموع به چالش گرفته و

مطالبه ای کمتر از دموکراسی و سکولاریزم

در برابر او قرار نداده است.

خاتمی جناح رقیب را برای سرکوب

این جنبش و دفع تهدیدی که بر فراز

سر آن به گردش درآمده است، به

اتحاد فرامی خواند و این درحالی ست

که تاکنون نیز "اصلاح طلبان"

جمهوری اسلامی، همچون همایشان

خود در جناح دیگر، از هیچ تلاشی

برای به انحراف کشاندن مطالبات

مردم، سرپوش گذاشتن بر آنها و در

بهترین حالت خرابکاری در امر

دستیابی توده ها به ضروری ترین

نیازهایشان دریغ نورزیده اند.

مردم حاضر در خیابانها و میدان به

آقای خاتمی درس بهتری خواهند داد،

به همین گونه بی نقاب و صریح!

## شهدای فدایی - تیرماه

رفقا: محمدکاظم غبرایی - بهمن

راست خدیو - محمدعلی خسروی

اردبیلی - نسترن آل آقا - گلرخ

شهرزاد مهدوی - نادعلی پورنغمه -

حمیدرضا هزارخانی - مارتیک قازاریان

- نزهت السادات روحی آهنگران -

محمود عظیمی بلوریان - یدالله زارع

کاریزی - اسماعیل نریمسیا -

محمدرضا قصاب آزاد - مسعود

فرزانه - علی رضا الماسی - حمید

اشرف - یوسف قانع خشکه بیجاری -

غلامرضا لایق مهربان - محمدحسین

یثربی - فاطمه حسینی - محمدحسین

حقوقاز - طاهره خرم - عسگر حسینی

ابرده - محمدمهدی فوقانی -

غلامعلی خراط پور - علی اکبر وزیر

مهدی (بهزاد) مسیحا - حمید آریان

- بهزاد امیری دوان - افسرالسادات

حسینی - نادره احمدشاهی -

سیمین سوکلی - علی خصوصی -

کاظم سلاخی - احمد خرم آبادی -

علی اکبر حق بیان - عبدالله سعیدی

بیدختی - حجت محسنی کبیر -

غلامرضا جلالی - خسرو مانی - شفیع

رضائی - علی اکبر حیدریان - سینا

کارگر، احمد باختری، ناصر ممی و ند

طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه

مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و

ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان

ستمگر شاه و خمینی به شهادت

رسیدند.